

کتاب سبز

(سخنان اخلاقی ، اجتماعی و فلسفی)

نویسنده : دکتر بصیر کامجو

کتاب سبز

دکتر بصیر کامجو

Green
Book

Dr. Basir Kamjo



Green Book

Moral, social and philosophical discourses

Author: Dr. Basir Kamjo

مشخصات کتاب

نام : کتاب سبز

نویسنده : دکتر بصیر کامجو

مسئول چاپ : نهاد های برون مرزی خراسان

طرح و دیزاین پشتی :

چاپ نخست : 1400 شمسی برابر 2021 میلادی

تیراژ : 3000 جلد

.....

حق طبع برای نویسنده محفوظ است .

کاپی ، تکثیر و نشر بدون اجازه مؤلف مجاز نیست .

بنام خداوند مهر و روشنایی

فهرست مندرجات

صفحات

عناوین

بخش اول :

- پیشگفتار : صدای دانه جو 8 - 11
- مدخلی بر کتاب سبز 12 - 16
- قسمت یکم – انسانیت 17 - 24
- قسمت دوم – مادر 25 - 35
- قسمت سوم – فرهنگ 36 - 46
- قسمت چهارم – اراده 47 - 56
- قسمت پنجم – گذشت 57 - 67

فهرست مندرجات

صفحات	عناوین
-------	--------

بخش دوم :

80 - 68 قسمت ششم - آزادی
89 - 81 قسمت هفتم - مهربانی
94 - 90 قسمت هشتم - حق وحق شناسی
112 - 95 قسمت نهم - احتیاج
116 - 113 قسمت دهم - واژه ذات

بخش سوم :

128 - 117 قسمت یازدهم - خرد و قدرت تمیز
130 - 129 قسمت دوازدهم - زبان فارسی نماد هویت
143 - 130 قسمت سیزدهم - در ستایش عقل و فهم

پیشگفتار :

چون اساس و بنای « کتاب سبز » گردایه ای از ارزشهای انسان ، انسانیت و رفتار انسانی در برابر زندگی مشترک انسانها و شناخت عقلانی از حقوق و آزادی آنها قرار دارد.

ما لازم دانستیم که برای همخوانی متن کتاب ، پیشگفتار را با نگرش متفاوت درد شناختی در قالب منظوم ، زیر نام « صدای دانه جو » که ندا حق ، حقخواهی و ابراز وجود را ارائه می دارد ، به بیان گیرئیم .

صدای دانه جو

زبان داس به هنگام چینگ ساقه جَو
همین بگفت به درو، رحم کن به ریشه جَو
زگریه های همه ساقه های سریدرو
چکیده خون زمزگان دانه دانه جَو

در آن سرا که جو، زخم قهر ، به جسمش بود
فضا و مزرعه را درد وناله ، پُر کرده بود
دران هوا ، نَفَسِ مرگِ جَو، د گردش بُود
شنیده بوده دروگر، فغانِ جَوِیِ خون آلود
میان شق شق داس و سوهان که گفته بود !
عجب زمانه بد این حیات بود؟ که نه بود

یکی بیآمد و با داس تیز سرم بپرید
دیگر بیآمد و با سُمِ گاو سیاه و سفید
چنان فشار بداد تنه ام به هرسو پرید
مرا زخوشه و کاشانه ام برون بکشید
عجب زمانه که هیچ کس به داد ما نرسید
به حال ما همه ذی روح کدام صدا نکشید

آخ ! ندا کشید لب بسته ، گیاه خلوت جوی
به غصه گفت به آب روان چنان بد خوی
چرا حیات همه ساکنان حومه جوی
به میل خود نگری مالکان خود خواه جوی
گیاه برگه سبزی بهار به باغچه و جوی
بقتل رسیده ز دستی اجیر لالا گوی

به طرز نیمه هراس آن دروگری مزدور
بفکر پاک بشد رفت ز حرص دنیا دور
برای اینکه بدیده نوای هرمقتول ،
حضور صحنه خون و ندایی نعره مور
جرات بکرد بخود از سرشت قصه زور

مدد بخواست زوجدان بقسم مرد جسور
بگفت به مالک داس این چه فکرتی ناجور

چرا به قتل و قتالی هزاربته جو؟؟

به کیش و عرف غضب یا به گونه شبخون
برای کسب همان نقمه نان ، پُر از خون
عمل نموده همه مالکان داس همگون

21 می 2005 میلادی کامجو

مدخلی بر « کتاب سبز »

کتاب سبز! برخی از آموزه های سلوکی اخلاق تطبیقی است برای انسانهای هوشمند و خردورز .

آرمان ما در این سخنان ، رویش و استمرار رویکرد های فکری و انسانگرایی ست ، که بگونه پندنامه های مفید اخلاقی ، اجتماعی و فلسفی در دویخش وده قسمت شرح و تعریف گردیده است.

شایستگی سخنان و پژوهشهای عقلانی ما در این کتاب ، تجلی ارزشهایست که در متون قدیم تاریخ پرافتخار نیاکان ، بوسیله حکما ، فلاسفه ، نوایغ ، خردمندان ، دانشوران، و پیشوایان علم و معرفت این سرزمین – بالنده و تنومند گردیده است.

با این نگرش اینجا نیاز است که در مورد اهمیت معنوی نوشته کتاب سرخ که یکی از بار ارزش ترین آموزه های ناب اخلاقی و فلسفی که تبلوری از نماد همزیستی ، همگرایی و انسانیت ، که پاره از نمود معرفت و دانش نیاکان ما را تشکیل می دهد سخنی بیان نمائیم . این کتاب با اخلاق عملی پراز پند و اندرز برای خوشبخت ساختن انسان و رهنمایی وی بسوی جهان بدون درد و استقرار زندگی نوین می باشد ، که بیوسته مورد توجه مردمان آگاه قرار گرفته است.

کتاب سرخ ، دارای بیست و پنج فرگرد و یک هزار و پنجاه سخن برگزیده و ناب از باغستان سرسبز فرهنگ مهر و روشنایی شناخت و آگاهی فیلسوف زمانه ما ، گرانسنگ حکیم اُرد بزرگ می باشد.

من این پندنامه خرد و رزانه ، بی غش و پاکیزه را به رغبت و شور عقلانی و با چشم دل خواندم و در آن شرح ژرف اندیشه های صاف گوهر بار دانش انسانی و انسان بودن ، آهنگ عشق ، ستایش پاک ، درود راستی و ارزش مهربانی را یافتم .

مگر بایک تفاوت ، اندیشه ای که « اُرد » در بخشی از کتاب سرخ خود « پیرامون مرده پرستی » می نویسد:

" اُرد بار ها گفته است تازمانی که ابوعلی سینا و یا خوارزمی ، نماد دانش و اندیشه ایرانی باشند ، کشور ما حتی یک گام هم بسوی دانش روز جهان برنخواهد داشت . بی پرده بگویم دل خوش نمودن به اساطیر و دانشمندان مرده به معنای نادیده گرفتن دانشمندان زنده است .

هنگامی که می بینم برخی با آب و تاب کوشش می کنند از مردگان برای زندگان الگوی علمی بسازند ، تمام وجودم فرو می ریزد و آرزو می کنم کاش ما چنین الگوهایی نداشتیم. "

اما شناختن و ترویج کردن اندیشه‌ها و رویکردهای فکری و دانشی مردان بزرگ و دانشمند و فرهیختگان پیشین سرزمین نیاکان، نزد ما از اهمیت ویژه، جاه و مقام، قدر و مرتبت خیلی بلندی برخوردار است.

ما به دانش و معرفت و شناخت همه‌ای خردمندان و فلاسفه و همه چیزدان‌های سرزمین قدیم و حال میهن‌پدري خود فخر و مباهات می‌کنیم.

باید گفت که بزرگان و سخنوران و خردمندان ما مرده نیستند، نام آنها در تاریخ پرافتخار سرزمین ما ایران بزرگ بانوشته زرین درج است. و درجان، خون و پوست، روح و روان و احساس اخلاقی تک‌تک ایرانی‌تباران (تاجیکان، پارسها و گردها) در سراسر جهان نقش بسته و جاویدانه باقی می‌ماند.

سعدیا مرد نکونام نمیرد هرگز

مرده آنست که نامش به نکویی نبرند

فکرواندیشه نیاکان ما پله‌های معرفتی ست که از آن راه تا به اینجا بلند شده‌ایم. و بر بنیاد این معرفت و با پذیرش دانش روز و نیازمندی‌های پیشرفته بشری، به سوی فردای روشن در حرکت هستیم.

باید گفت که گوهر اساسی فلسفه اُرد بزرگ بر بنیاد سه درون مایه : جهان هستی ، انسانیت و آزادی ترکیب یافته است.

و واژه پاکیزه عشق در امتزاج هر سه درون مایه ، ارزشی است که جریان جوهر انسانگرایی فلسفه اُرد بزرگ را بسوی کمال هدایت می نماید .

بناً فلسفه اُرد بزرگ از دید ما یک نگرش انسانی برای همگرایی ، همزیستی ، همآیشی ، پهلوی هم بودن ، برای هم بودن و باهم بودن را درجو آزادی و انسانیت ، به جهان بشریت پیشکش می نماید.

تبلیغ و ترویج اندیشه اُرد بزرگ ! رسالت اخلاقی و انسانی همه کار آگاهانی را تشکیل می دهد که با بینش دگردوستی و شناخت عقلانی از کرامت و نجابت انسان ، به زندگی عشق می ورزند و با نیت پاکیزه درخت دوستی و آزادی و انسانیت را ، آبیاری می نمایند.

فلسفه اُرد نزد ما بمرتبه خشت طلایی در کاخ زرین فرهنگی نیاکان ما جا و مقام خود را دارد . و ما باور مندیم که هر دانش

اندوخته ای که خون پاک : (کیومرس ، هوشنگ ، کی قباد ، کیکاوس ، دیاکو ، کوروش بزرگ ، اشک یکم ، کوجوله کادفیز ، اردشیر بابکان ، ابومسلم خراسانی ، طاهر فوشنگی ، یعقوب لیث صفاری ، اسماعیل سامانی ، علاءالدین حسین غوری ، زرتشت ، مانی ، مزدک ، امام اعظم ابوحنیفه ، محمد خوارزمی ، امام محمد بخاری ، رودکی ، فردوسی ، ابن سینا ، بیرونی ، ابن مسکویه ، خیام ، سعدی ، حافظ ، عطار و سنایی و مولوی ...)

، دررگ رگ وجود وی جریان دارد ، رسالت خود می داند که درفش کاخ فرهنگی ایران زمین را پیوسته و جاویدانه در اهتزاز نگهدارد.

بتأسی از این امرورسالت وجدانی و عقلانی بوده ، که اینجانب هوشمندان در راستای آموزه های فرهنگی و رویکرد های فکری و فلسفی پیش کسوت ها و خردمندان ایران باستان ، خواستم برخی از اندیشه های اخلاق تطبیقی و بینش های فکری و فلسفی خویش را به گنجینه سرای دانش و معرفت انسانی اجداد مان ، زیر نام « کتاب سبز » نوشته و ارائه کرده باشم

بخش اول :

قسمت یکم - انسانیت

انسانیت گوهرداتی انسان است که در قالب سلوک اخلاقی آدم
گری ، خوش خُلقی و ادب رویت حاصل می کند. بصیرکامجو

انسانیت درخت گشن ایست که در زمین آزادی و مهر بارور می
شود. بصیرکامجو

آگاهی و شعور ، بازتاب جهان هستی در مغز انسان است ، که
میزان انسانیت ما را در کردار بنمایش می گذارد . بصیرکامجو

آن عمل انسانی جلوه گاه نجابت است که حقیقت آدمی و آدمیت را
جاویدانه سازد. بصیرکامجو

بزرگ زادگی ، از آن کسانی اند که دارنده سه ارزش وجودی :
پاک نژادی ، درک عقلانی از کرامت انسانی و عشق و رزیدن
به آزادگی ست . بصیرکامجو

رفتارهای پسندیده ، پاکیزه و نیکو سرشت - نمود های انسانیت
و گواه راستین شرافت است . بصیرکامجو

انسانیت ، باورمند بودن و یقین داشتن به دگردوستی ، همزیستی
و همگرایی است . بصیرکامجو

انسانیت ، آموزه زندگی پهلوی هم بودن ، باهم بودن و برای هم
بودن است . بصیرکامجو

معرفت، اسلوب دانستن پایه مادی و معنوی زیست ، برای انسان
و انسانیت است . بصیرکامجو

انسانیت بمفهوم رمز عشق ورزیدن به ذات ملکوتی انسان ، به سرسبزی ، به آزادی در همه جوانب موازات هستی است . بصیر کامجو

اگر ارزش گوهر وجودی انسان ، انسانیت است . پس غیابت این ارزش در انسان بربریت و نافرهیختگی می باشد . بصیر کامجو

درس انسانیت هنگامی از راه آموزش و پرورش امکان پذیر می شود ، که همه اساسات و سامانه‌ فرآگیری دانش را انسانی سازیم . بصیر کامجو

انسانیت با خمیره سرشت ، خو و منش انسان پیوند وجودی دارد ، والدین باید به ساز و برگ این خمیره ، توجه عقلانی داشته باشند . بصیر کامجو

پدیده ای جنگ و فقر و ناهمگونی اجتماعی - مانند سُوم : ریشه انسانیت و آدمیت را خشک ساخته و مولد جنایت می باشد . بصیر کامجو

در عصر ما ، ارزشهای فرهنگ انسانیت و آدمیت و آزادی همچو کبک بی بال در تیررس استکبار قرار دارد . بصیر کامجو

استقرار امنیت ، قانونیت ، مصونیت و آزادی ، نماد سازنده برای انسانیت و همزیستی است . بصیر کامجو

ایجاد زندگی شرافتمند ، وابستگی به نظام مشروع و مردمسالار دارد ، فقط نظام مردمسالار از آبروی مردم و انسانیت پاسداری می کند . بصیر کامجو

انسانیت آب پاکیزه ایست که درخت خوشبختی مردم را سرسبز نگه می دارد . بصیر کامجو

رفتار انسانگرایانه گوهرنایابی است که ارزش معنوی خود را در دلها می نشاند . بصیر کامجو

انسانی سازی سیاست و اشکال شعور اجتماعی جامعه ، بستری مناسبی برای گسترش نیروی معنوی و مادی انسانیت است. بصیر کامجو

هر قدر انسان در حصارهای اندیشه دگم و خودگرایی محصور بماند ، به همان اندازه از ارزشهای انسانیت فاصله می گیرد .
بصیر کامجو

انسانیت یک حقیقت وجودی نیرومند است ، که بر شرارت ، پستی و فرومایگی پیروز می شود. بصیر کامجو

اگر می خواهی آرامش درونی داشته باشی ، به آرامش دیگران اندیشه کن. بصیر کامجو

هر کار نیک انسانی است ، اما عشق ورزیدن به کار نیک صحنه گذاردن به انسانیت و شرافت است . بصیر کامجو

فرومایه ترین انسان کسی است که اندیشه و آرمان مقدس انسانی خود را به قدرت و مادیت بفروشد . بصیر کامجو

انسانیت سهش اخلاقی برای درک نیازمندی بیرونی و درد درونی دیگران است . بصیر کامجو

بنیاد انسانیت بستگی به سرشت نیک : عشق ، مهر ، راستی و احساس دارد . بصیر کامجو

چون اصل منش ارزشهای اخلاق کرداری انسانیت - پاکیزگی است ، براین مبنا گوهر انسانیت از هرگونه آلودگی دنیایی منزّه است . بصیر کامجو

انسانیت زاینده آرزومندی و نیروی تداوم حیات بدون درد است .
بصیر کامجو

هرکاری با منش انسانگرایانه ، در راستی امر ، آبیاری نهال امید ، برای بختیاری و خوشبختی انسان است. بصیر کامجو

انسانیت یعنی شخم زدن زمین آرزو های انسان ، برای باروری و استمرار زیست باهمی و گسترش مهر و دوستی . بصیر کامجو

انسانیت ارزش پر بهایی است که بُود آن در انسان مهر و محبت می آفریند ، و نبود آن وحشت و بربریت. بصیر کامجو

هر انسانی که به انسانیت ارج نمی گذارد هنوز در مراحل رشد پست حیوانیت گیر مانده است . بصیر کامجو

درس زندگی آموزشگرایینست که انسانیت ، سرچشمه خروشان نور و روشنایی ، هدایتگر راز همگرایست . بصیر کامجو

کمال نفس را خوشبختی گویند و خوشبختی برای انسان انگیزه
ایست که آنرا بکمال انسانیت برساند . بصیر کامجو

سه چیز انسانیت را تقویت می بخشد :

1 - پاکیزگی دنیای درون ، 2 - عمل به ندای وجدان ، 3 -
آزادمنشی . بصیر کامجو

نفس انسانیت چون نقره تمیز است . همانند باران یکسان سرهمه
می بارد و همچون آفتاب برابر سرهمه می تابد ، پس بیائید که
در نظام سرسبزی و روشنایی ، انسانیت بمانیم . بصیر کامجو

بخش اول :

قسمت دوم - مادر

اگر باشد که اساس معرفت و شناخت خویش را بر بنیاد سه ارزش پاک انسانی تاریخ نیاکان ما : گفتار نیک ، کردار نیک و پندار نیک قرار دهیم . در آن صورت رسالت ما روشن می شود که با رعایت احساس اخلاقی به انسان به آدمیت ، به نجابت و کرامت انسانی تمکین گذاریم و در درخشش چنین ارزشها یک زندگی دور از غم اندوه را بوجود آوریم .

تاریخ بشر شاهد هزاران جنگ و جنایت علیه یکدیگر بوده است . همین جدال هایی پی در پی ، سبب شده که حقوق آزادی های انسان را در گُل و خانواده و مادران و زنان را بگونه ویژه زیر پا نماید و زندگی مردم را پیچیده تر ، مغلقتر و سختتر سازد . و این سخن به همگان واضح است که آغاز هرگونه جنگ میان دو نفر ، دو گروه ، دو قوم ، دو کشور و یا چند کشور مقابل همدیگر ، همه یکسان برای برتری جویی و بدست آوردن مادیت ، قدرت و شهوت است ؛ اگر باشد که کدام توجیه ذهنی ای دیگری در مورد ارئه شود و یا وجود داشته باشد ، همه دروغ محض است .

هر انسان از مادر تولد شده است. مادرکسی است که بهترین روزهای جوانی خود را فدای خدمت نمودن و به ثمررسانیدن فرزندانش ساخته است. همه ما از دوران کودکی تا نوجوانی بمدد همین مادران جوان بوده است که به اینجا رسیده ایم.

پس تمام انسانهای روی زمین به مادرانشان بدهکارند و این بدهی را در زندگی خود باید بپردازند. اگرما همه حق شناس و راستکار هستیم. از همین اکنون باید بفرپرداخت بدهکاری اخلاقی به مادر خود بشویم و وجدان خود را از جدال های درونی وجود مان رها سازیم.

هر اندیشه و باوری که در آن جایگاه و مقام شایسته مادر، این ملکه مهر و روشنایی تعریف، تأکید و تمجید نشده باشد، ناکامل است. بصیرکامجو

هر فرد، نظام، قوم و گروهی که مصونیت، آزادی و حقوق انسانی زن و مادر را در حیات اجتماعی جامعه مختل می نماید و بانگش بدوی خویش به قد و قامت مادر، جامه قانون و قواعد می بُرد و می دُزد، باتأسف که این قماش افراد هنوز از درک واقعی ارزش و قدسیت شیرمادر بدورمانده و در دایره توحش قرار دارند. بصیرکامجو

مادر مایه دلگرمی حیات و امید زندگی خانواده است .
بصیر کامجو

مادر ، ننه ، والده ، مامان ، آچه ، ریشه وجان ، نفس و بُود من
است . بصیر کامجو

زبان وجدان ، ندا می زند که ، امروز قدرمادر را بدان که فردا
خیلی دیر است . بصیر کامجو

اساس سرشت و میزان خوش خویی و راستی گویی هرکس ،
بستگی به تربیه و آموزشی دارد که در دامان عشق و محبت مادر
و خانواده ، فرا گرفته است . بصیر کامجو

عشق ذاتی بی نهایت مادر به فرزند به وسعت گل هستی است .
باید به این عشق بیغش و بی مانند ، حرمت گذاشت و سرتکریم
فروود آورد . بصیر کامجو

حقا مددا ! هر دست اهریمنی ای که در زندگی به روی پاک مهتاب
گونه مادر بلند بشود ، برای همیشه سیاه بخت باد . بصیر کامجو

حقا مددا ! هردست اهریمنی ای که درزندگی به روی پاکِ مهتاب
گونه مادر بلند بشود ، برای همیشه سیاه بخت باد . بصیرکامجو

مادر معرف و رمز همه ارزشهای انسانی و سجایای نیک اخلاقی
درزندگی بشریت است . بصیرکامجو

مقیاس عشق مادر را نمیتوان بامیزان سنجش انسانی پیمایش کرد
، یگانه اسلوب قیاس این عشق جاویدان، تنها حرمت گذاری
عقلانی و اخلاقی به شناخت ارزش پاکیزه شیرمادراست .
بصیرکامجو

سیرشت مهربان مادر سر پنهانی است که خداوند پاک این
سیرت را برای رستگاری بشریت هدیه نموده است . بصیرکامجو

خداوند برای مادرها ، قوه ادراک ، قابلیت قدرت تمیز و حق
مادری را لایق دانسته ، ازین سبب آنها قادراند که بمدد همین
مخیله و پندار، تپش قلب و نیاز درونی فرزندان خویش را بهتر
بدانند . بصیرکامجو

جنایتکاران پرورده دست مادران نیستند . زیرا همه مادرها و پدرها در فضای امن خانوادگی باحُسن دگردوستی برای کودکان خود درس انسانیت و صداقت ، راستی ، محبت و دوستی رامی دهند . درچنین بستر سبز خانواده و جامعه ، پیدایی و تربیه گروه های جنایت پیشه غیر ممکن می افتد . این رژیم های غیرمشروع و گروه های دهشت افکن وابسته به آنها اند ، که مولد جنایت پیشگان می باشند . بصیرکامجو

چرا مادران بی نهایت مهربان و با گذشت اند ، زیرا خداوند پاک آنها را نماینده زمینی و آموزگار مهرودوستی خود ، برای بشریت خلق نموده است . بصیرکامجو

تکریم بار معنایی نام « مادر » :

(م) آن مهربانی ،

(الف) آن انسانیت ،

(د) آن دوستی ،

(ر) آن راستی ، تفسیر می شود .

کرما ، خوشا ! به مادران خود آگاه که این چهار ارزش انسانی را در مغز و روان فرزندان خود هوشیارانه حک و به نیروی سلوک اخلاق عملی آنها تبدیل نموده است. بصیرکامجو

همه مادرهای جهان مهربان هستند. مگر هیچ مادری در جهان مهربان تر از مادر من پیدا نمی شود. بصیرکامجو

آیا شما در جهان کسی را سراغ دارید که آغوش گرمش در همه حالات بد و خوب زندگی : چه در بیماری و تندرستی و چه در تنگدستی و گشاده دستی ، برای فرزندانش باز بوده و با آواز نرم و مملو از عشق و محبت سخن بگوید .؟ بلی ! آن شخص تنها مادر است . بصیرکامجو

چون وجود پاکیزه مادر به فیض و برکت خداوندی خاستگاه نوع بشر است. باید مصونیت حقوقی ، امنیت روانی مادر ، برای دولت و جامعه واجب و بمتابه یکی از مسئولیت وجدانی و حقوقی وی ، در قانون اساسی نظام تسجیل گردد . بصیرکامجو

کار دستمزد حقوق مادران خانه که مصروف رسیدگی به تربیه و مراقبت کودکان شیرخوار و پیش مکتبی اند ، بدرجه یک کارمشتغل قانونی ، از جانب دولت شناخته و به ارزش بی خوابیها و شب زنده داری های مادران ج گذاشته شود. بصیرکامجو

مادر در ذات خود منبع شادمانی و خوشی و آرامش هر خانواده است . در غیرآن، غیابت این سه ارزش فوق ، به میزان اقتصادی، مناسبت کاری، سلوک رفتاری پدر بستگی دارد ، نه به مادر . بصیر کامجو

ما مهر مادر و عشق همسر را باهم آمیخته نکنیم ، هر دویش را گرامی داشته باشیم . زیرا این عشق همسراست که در زندگی خانوادگی به مهر مادر دگرگون می شود . بصیر کامجو

من درنوجوانی سختی های زیادی را پشت سرگذراندم ،
وهرگاهی که خود را ناتوان حس می کردم دلگرمی های مادرم
پاهای لرزان مرا استوارمی ساخت.خوشبخت ترین لحظات
زندگی ام زمانی بود که مادرم برایم لبخند می زد. فدای نامت
شوم مادر. بصیر کامجو

میزان دوستی انسان به مادر متناسب به میزان میهن دوستی وی
است . زیرا مادر نماد پیدایی و میهن نماد رویش ماست . آنهاییکه
به مقام و مرتبه حقوقی مادر ارزش قایل نیستند ، بدون شک که
به دوستی وحق شناسی میهن ، اهتمام نمی ورزند . بصیرکامجو

عشق و شور مادر همچو موجی است که خانه و خانواده را درخود
می پیچاند ، که با شکیبایی اش زندگی امکان پذیر می شود وبا
نیکخواهی اش دلپذیر.بصیرکامجو

آنهایی که ارزش مهمادررا نمی دانند یاز عقل بیرون اند یا
بیمار . بصیر کامجو

نقش سازنده مادر در آموزش و پرورش کودکان حیثیت نور آفتاب به نباتات را دارد. همان گونه ای که زندگی نباتات وزنده جانها بدون نور آفتاب مقدور نیست. زندگی کودکان در نبود نور آفتابگونه مادر نیز گیاه بی آب و خشکیده ای بیش نیست. بصیر کامجو

درک دانشورانه ، قوت اراده و وجدان بیدار ، پایه اساسی شناخت جایگاه ارزنده مادر - این مهربان ترین اعجاز آفرینش در کره خاکی ما است . بصیر کامجو

هرگاه با نیکویی و کرم ، حرمت و دوستی ، به مادر برخورد شود ، دعای دل و نوای احساس اخلاقی وی ، فرخندگی ، شادی و خوشبختی پاسخ می دهد. بصیر کامجو

هیچ چیزی در زندگی عزیزتر از خوشی و شادی مادر وجود ندارد .
بصیر کامجو

تسجیل قانونی ، سهم مساوی زنان ومادران بامردان ،
درساختارسیاسی قدرت واداره دولتی ، گام عدالتمندانه ایست ،
که مصونیت حقوقی ومادی زنان ومادران را درحیات اجتماعی
وخانواده ضمانت می کند. بصیرکامجو

می گویند پسرها تا روز ازدواج به عشق ، مهرودوستی مادر
وابسته اند . پس از آن بی نیازی شوند . بفکرمن هیچ عشقی
ومحبتی درزندگی وجود ندارد که جای عشق ومحبت مادری را
پُر نماید. بصیرکامجو

درگنجینه سرای دانش و معرفت فرهنگی اجداد مان مقام ومنزلت
شایسته مادر به نویسه زرین نقش است. اما کنون رهبری این
گنجینه فرهنگی بدست کسانی قرار دارد که به ارزش انسان ومقام
شایسته مادر کدام احترامی قایل نیستند . خداوندا این قوم بی راه
را برای راست هدایت بفرما، که تا یک زن ویک مادرفرشته
صفت راهمچوکالا دربازاروحشت به مرکب مبادله نه نمایند.
درود بر جایگاه ملکوتی مادر . بصیرکامجو

وقتی ارزش لبخند واقعی مادر را درک کردی ، بدانی که راه درست و راست را انتخاب کرده ای ، راهی که انسان با درک را بسوی باغستان خوشبختی می کشاند . بصیر کامجو

همسختی حقوقی مرد وزن باور پاکی است که پیوند دوستی میان پدر و مادر و خانواده را گره می زند . بصیر کامجو.

بخش اول :**قسمت سوم - فرهنگ**

مجموعه ارزشهای علمی ، دانشی ، معرفتی ، شناخت و آگاهی از هستی (طبیعت ، انسان و جامعه) و جهان خلقت و آفرینش ، پندار ها ، باورها ، آئین و رسوم ، زبان و ادبیات ، تاریخ و اقتصاد ، اخلاقیات ، موسیقی و هنر ، آموزش و پرورش ، آداب و خُلق و خُو ، قوانین و مقررات ، ابزارها ... و غیره را فرهنگ یک قوم یا یک ملت می دانند . بصیر کامجو

فرهنگ یک هویت است . و آن هویت شایستگی ، غرور و افتخار فرد و جامعه را در حیات اجتماعی ، ملی و بین المللی تمثیل می کند . بصیر کامجو

ارزشهای فرهنگ انسانی که نمادی از بالندگی است ، باید گرامی داشت . تنها فرهنگ بالنده و رفیع است که انسانها را بسوی قله های خوشبختی و آرامش می کشاند . بصیر کامجو

همه هنجارهایی مورد قبول انسان همچو دوستی ، شفقت ، مروت ، آدمیت و تربیه اخلاق نیکو ، خمیره کنه فرهنگ را تشکیل می دهد . بصیرکامجو

با قوت تمام فرهنگ بشر دوستی و تهذیب را در جامعه تعالی بخشید ، در غیر آن فرزندان ما درسایه پندار های نادرست ، بسوی فرهنگ بربریت گرایش می نمایند . بصیر کامجو

فرهنگ وجه تمایز انسانها در یک سرزمین است . همین وجه تمایز فرهنگی سبب می شود که ملت های نجیب و متمدن از ملتهای شریر و غیر متمدن ، متمایز گردند . بصیرکامجو

فرهنگ ارزش هویتی و تباری ایست که هست و بُود، شرف و ناموس، روح و روان ، عزت و سربلندی ، فخر و قدر، مقام و منزلت ما را در زندگی می سازد . بصیرکامجو

فرهنگ با مروت اجداد مان که آهنگ گفتار نیک ، کردار نیک و پندار نیک را به بشریت سر می دهد ، بایست آنرا باخون و پوست و گوشت خود بپذیریم . زیرا تنها همین سه سرشت سلوک اخلاقی انسان است که جامعه را بسوی آسایش و آزادی ، همبستگی و همزیستی می کشاند . بصیرکامجو

تاریخ فرهنگ اصیل نیاکان خویش را بدانید . و آن را به فرزندان خویش توصیه کنید . فهم درست تاریخ پدری به انسان پاکیزگی نفس ، شهش قوت اراده ، تمکین و وقار ، توانمندی ابراز وجود را در انسان زنده می سازد . بصیرکامجو

شالوده ای فرهنگ نیاکان ما همجوشی و آدمیت ، عشق و رفاقت است . هر فرهنگ بد سرشت دیگری که جنگاوری ، تیرگی و تاریکی را گسترش می دهد ، باید از بستر گرم خانواده و جامعه پاک شود . بصیرکامجو

هنر و موسیقی رکن اساسی فرهنگ است. بنیاد آن ، درگستره آزادی بدون تفتیش برای خوشی و خوشبختی انسان ، پایدار و برومند می گردد . بصیرکامجو

ارزش هنر و هنرمند را گرمی داشت. این توانایی و خلاقیت هنرمندان (سینماگران ، آوازخوانان و نوازندگان ...) است که به لبهای انسانها خنده می آورد ، با نمایشات جالب ، خوشی و سرگرمی را به خانواده ها می بخشد ، و زندگی را دلچسپ و فرهمند می سازد. بصیرکامجو

هنر پیام آور مهر و محبت و خرم دلی، و بازتابی از گشایش پل دوستی میان مردم است . بصیر کامجو

فرهنگ و هنر وقتی جاویدانه می شود که ارزشهای سلوکی : خوش خویی ، خوش رفتاری ، خوش نیستی ، خوش گمانی ، خوش

بینی ، گشاده رویی ، حرمت گذاری ، فروتنی ، وفاداری ، انصاف ، راستگویی ، سخاوت ، خیرخواهی ، مدارا ، ادب ، همدردی ، پیماننداری ، آسان گیری ، چشم پوشی ، امان دادن ، آبرو داری ، عفت ، راز داری و رازپوشی ، امانت داری ، سپاسگزاری ، عفو و بخشایش ، مهربانی ، شرم و حیا - را در میان مردم ترویج و آنرا به سلوک رفتاری و پنداری مردم مبدل سازد . بصیر کامجو

آزادی رسانه ها بدور از مراقبت و سانسور دولت یک امر واجب و لازمی برای رشد و تکامل شعور اجتماعی جامعه می باشد . بصیر کامجو

خردمندان و آگاهان امور مسئول اند که زمینه های رشد اساسات دانشی جامعه و جوانان را متغیر سازند. فرهنگ کتابخوانی و امکانات آموزش نوین را توسعه بخشند . و رشد سالم اندیشه و تفکر جوانان را به مسیر همگرایی ملی سوق دهند. بصیر کامجو

بزرگداشت از فرهنگ جشنهای باستانی نیاکان : جشن نوروز ، جشن سپندارمذگان ، جشن سده ، جشن چهارشنبه سوری ، جشن شب یلدا یاچله ، یک هویت فرهنگی و مکلفیت اساس نیروی همبستگی و بنیان ملی است. بصیرکامجو

قدسیت آن فرهنگ قابل ستایش و پذیرش است . که در مرکز توجه آن تنها انسان ، خوشبختی و سعادت وی قرار داشته باشد . بصیرکامجو

پاکیزگی یک فرهنگ درسازه های گوهر باری نهفته است ، که ذات بنیادین آن به کرامت و نجابت انسان پیوستگی داشته باشد. بصیرکامجو

فرزندگی فرهنگ زمانی در تغییر شعور اجتماعی مردم تبیین می شود ، که نیروی مینوی آن به نیروی مادی افکار جامعه تبدیل گردد .

بصیر کامجو

پدرها و مادرها توجه جدی به تربیه سالم فرزندان شان داشته باشند . و آنها را از گزند فرهنگهای مخدوش و مبهمی که احترام به ابهت و فره انسان قایل نیستند ، بدور نگهدارند . بصیر کامجو

کسی که فرهنگ اجداد خود را خوب نداند ، تمام عمر خدمتگزار فرهنگ بیگانه می ماند . بصیر کامجو

پذیرش فرهنگهای بیگانه و دغلكار زهرکشنده است که سلامت معنوی فرزندان را سمآلود کرده و سرنوشت آینده آنها را به خرابی و نابسامانی می کشاند . بصیر کامجو

زبان فارسی فرهنگ و هویت مشترک همگانی سرزمین ماست .
باید این هویت شایسته و پرافتخار را مانند مردمک چشم نگهبانی
کرد . بصیرکامجو

هر فرهنگی که به جنگ و ستیزه جویی گرایش داشته باشد، کاذب
، سیه روی و ناکام است. بصیرکامجو

بالندگی فرهنگ زمانی پدیدار می گردد ، که راهکار شناسایی آن
، به مسیر بی نهایت های دانش به پرواز درآید . بصیر کامجو

خوش خُلقی و گُشاده رویی نه تنها یک سرشت اخلاقی ، بلکه
درون مایه تمدن یک فرهنگ است. بصیرکامجو

زبان و کتاب دوپایه اساسی فرهنگ انسانیت را تشکیل می دهند .
بصیرکامجو

قوه بُرندگی فرهنگ و هنر ، از آلماس کرده بُرنده تر، واز فولاد کرده سختتر است. بصیر کامجو

روش فرهنگ تعقل را درشناخت و معرفت اسباب زندگی بکارگیر، تنها با این دیدگاه میتوان جهان هستی را بتدریج مهار کرد. بصیرکامجو

هرفرهنگی که در چمبره تفکر انتزاعی وپندارهای ابهام آمیز اسیرمانده باشد . یقیناً از رشد بلند اندیشه وگنج معرفتی تمدن بی بهره است . بصیرکامجو

راه رستگاری مردمان بافرهنگ ، تمکین گذاشتن به اخلاق انسانی، تأکید نمودن به تمدن وتکامل است. بصیرکامجو

هر فرهنگ بر بنیاد دستاوردهای تاریخی مردمان و نامداران یک سرزمین شکل می‌گیرد. بناً اندیشه‌ها، رویکردها و معرفت علمی و دانشی بزرگان سرزمین ما، پایه اساسی فرهنگ ما را تشکیل می‌دهد. بصیر کامجو

زبان همچو یک فرهنگ موجب پیوستگی و تفاهم بین افراد جامعه می‌شود. ارزشهای فرهنگی ای که بوسیله زبان، کار و تفکر انسانها تولید می‌گردد، هویت فرهنگی و زبانی گویشوران آن جامعه را تشکیل می‌دهد.

بصیر کامجو

هویت فرهنگی دارای قدر و منزلت، ارزش سیاسی کشوری، منطوقی و جهانی است. و این قدر و منزلت نقش برگزیده در تکامل بسترهای زیست اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی جامعه دارد. و به قدرت منتخب سیاسی نظام، مشروعیت حقوقی می‌بخشد. بصیر کامجو

هویت ملی به معنی هویت تباری و خونی، هویت فرهنگی بمفهوم هویت علمی، دانشی و معرفتی تفسیر می شود، این دو هویت، با ارزشترین و مشروع ترین نوع هویت، در نظام های سیاسی و نهاد های اجتماعی جهان شناخته می شود. بصیر کامجو

سماع مولوی یک فرهنگ است. این فرهنگ را نباید تنها چرخیدن و پایکوبی پنداشت. این آیین باستانی نیاکان ما گونه ای از راه و روش تزکیه نفس، بهسازی روح انسان و رفتن به فراسوی جلال و بزرگی، دبدبه و شکوه ذات حق است.

بصیر کامجو

تنها در بستر فرهنگ مدنی در یک جامعه، آزادی، امنیت، استقلال و خودفرمانی ملی استقرار می یابد. بصیر کامجو

بخش اول :

قسمت چهارم - اراده

اراده ، خواسته دل و آرزو ، آهنگ و عزم ، میل و خواهش ، غایت و نیت داشتن به اجرای یک فکر در عمل است . بصیرکامجو

اراده مصمم شدن به کاری است . بصیر کامجو

اراده اعتقاد و باور و بازجستن آرمان قلب است . بصیرکامجو

اراده و اختیار وجه تمایز میان انسان و حیوان است . بصیرکامجو

اراده جز ای از توانایی ، پایداری و امید است . بصیر کامجو

اراده ایجاد موقعیت مناسب برای خوشبخت زیستن است . بصیر
کامجو

اراده گونه ای از پیوند اعتقاد و ایمان ویا یقین درونی و عمل
بیرونی است. بصیر کامجو

اراده خود ایستایی و استواری در کسب اهداف مقدس انسانی است
. بصیر کامجو

اراده گویای ندایی درونی وجود ، کینه کشیدن از جنس جنایت
است. بصیر کامجو

اراده تفکر کردن زیاد نیست ، بلکه عمل از روی راستی و اجرای
ماهرانه آن است . بصیر کامجو

اراده آن هدفی است که با شلاق عقل و عشق به فراز امید و ارسته
سوق می یابد . بصیرکامجو

اراده شمایل امیال در ذهن است که از عزم و اعتقاد می آغازد
و به قله های بلند آرزو می نشیند. بصیرکامجو

اراده ازدید اجرایی تصمیم نیست بلکه بُعد دیگری از شیره ای
عمل است. بصیرکامجو

اراده اقتضاء اجابت کردن دواعی اعتقاد و ایمان است که
سرنوشت زندگی را تعیین می کند . بصیرکامجو

اراده خود ایستایی ابراز وجود برای رهای من و تو از قید اسارت
و بربریت است. بصیرکامجو

درد و سوزش جگر بیوه زنان ، اشک جاری یتیمان ، چیغ لب بستۀ گرسنگان ، آه سحر گاه مادران غمدیده ، اگر امروز در آسمان ابر آلود قدرتها پوشانیده شده و در چهاردیواری های قانون جنگل هوای نفس زندانی و خموش اند ، فردا این درد و ناله و خشم استخوان سوز ، به اراده مردمی و دژ مقاومت ستمدیدگان تبدیل خواهد شد . بصیر کامجو

رژیم های نامشروع در همه زمانه ها - هراس از به پا خیزی و حق خواهی اراده جمعی دارند . بصیر کامجو

یگانه ممکنه براه استفاده معقول از سلاح مطبوعات و ارتباط جمعی است که « اراده » مردم را در جهت همبستگی بسیج می سازد و مقاومت ملی را شکل می دهد و تقویت می بخشد . بصیر کامجو

هیچ نیرویی قادر نیست که جلوی همبستگی ، خیزش
و خودایستایی اراده مردم را بگیرد . بصیر کامجو

مفاهیم - انگیزه ، مراد ، خوبی ، خیر، از جمله واژه های
است که با اراده در تداخل اند . اراده از انگیزه زایش می یابد ،
هرگاه آن انگیزه از احساس تکلیف انگیزته شده باشد انسانی است
وگرنه ، نه ؟ و خوبی و خیر آن وابسته به انگیزه است نه به نیت و
مراد انسان . بصیر کامجو

اراده و خرد دو واژه به هم پیوسته ای اند . انسان به مدد خرد
ارزشهای عالی خوشبختی و مسیر درست زندگی را تشخیص می
دهد ، و با پیگیری و خود ارادیت آنرا حصول می نماید
. بصیر کامجو

اراده جوهر مبارزات سیاسی است . بدون اراده و خود ارادیت به
اهداف غایی سیاسی رسیدن کار دشوار است . بصیر کامجو

اراده سیاسی از کوه نارضایتی ها و بدبختی ها و ناامیدی های زندگی اجتماعی مردم در ذهن انسان شکل می گیرد و دنیای درونی وی را تحت فشار قرار می دهد . رهایی از فشار اراده ، گیرماندن انسان در گستره ترس نیست ، بلکه تحقق تقاضای اراده در عملکرد ارضای انسان است . بصیر کامجو

- اراده سیاسی : نوعی از حاصل کمال شعور جمعی و تجلی ای از خواسته های متفاوت لایه های گونه گون اجتماعی است . که در فرآیند مبارزات سیاسی منحصیث سنگپایه روانی عمل ، علیه اهداف ضد انسانی حُکام نا مشروع و جنایت پیشگان ، عرض وجود می کند . بصیر کامجو

کسب سرشت خودارادیت لازمه ابعاد مختلف حیات اجتماعی است . در شکل گیری چنین سرشت ، سلوک ، امیال و آهنگ عمل انسان از عوامل جبر خانواده ، جبر اجتماع ، و وجود بستر حیات مادی و معنوی زیست او متأثر می باشد . و بر اساس این پایه ها و اسباب ، ویژگی انتخاب و خود فرمانی اراده وی در کار و زندگی تبیین می شود . بصیر کامجو

یکی از عوامل اساسی خود ارادیت ، تلقین به نفس ، قدرت تصمیم گیری ، مراقبت از پاکی جسم و جان ، لباس و مکان ، رعایت نمودن نورم های اخلاقی ، فرمانبرداری انسان از عقل و خرد ، راستی و امانت داری است. بصیرکامجو

استواری اراده هرچه بیشتر ، در آزادی واستغناى انسان ازمتاع دنیا است. بصیرکامجو

اراده سلوکی در دو شاخه تبیین می شود . نفسانی و انسانی . اراده نفسانی در سایه هوای نفس عمل می کند ، و اراده انسانی در سایه فضایل اخلاقی. بصیر کامجو

تقویت اراده بستگی به فضایل چهارگانه : دلیری ، راستی ، خوشتنداری و ایمانداری دارد. بصیرکامجو

ضعف اراده ، گونه ای از فرمان « آز » است . و آن عطش بی درمانیست که انسان های بی بنیاد دوچار آن اند . بصیر کامجو پیروی از نفس اماره ، عزم و اراده را زائل می کند . بصیر کامجو

دگرگونی و تغییر رژیم های فرتوت در مصلحت و مدارا حاصل نمی شود . و آن به قدرت اراده مردم و رهبران دلیر و تسلیم ناپذیر بستگی دارد . بصیر کامجو

کسب اعتماد مردم به انسان ، وابسته به اراده قوی و ابهت و وقار اخلاقی وی است . بصیر کامجو

اراده کردن ، نه گفتن ! به نابرابری ، زور و ستم است . بصیر کامجو

برای اراده سه چیز واجب است . اول عمل ، دوم عمل و سوم عمل . بصیرکامجو

اراده قوی، مرد دلیر و با شهامت و فارغ از « آز » ، می خواهد . بصیرکامجو

اراده راستین بستگی با هوش و فراست ندارد ، بلکه از قدرت پاکیزه درونی انسان ، سرچشمه می گیرد . بصیرکامجو

مردان ترسو و سست اراده ، در حق تلفی ها شکویه و شکایت می کنند . در هنگام حق گیری و ابراز وجود ، از اراده و پیمان مردم می گریزند . بصیرکامجو

برخیز ، سستی مکن ، گرفتن حق سیری شکم نیست ، رهایی از درماندگی است . بصیرکامجو

اراده ! یعنی ابراز وجود که من هستم . بصیرکامجو

اراده نیروی جنبنده عمل ، عمل چهره مادی اراده است . بصیر
کامجو

هر موفقیت در زندگی ، بستگی به اراده دارد. بصیر کامجو

انسان بی اراده و ترسو ، نفس آلوده و لقمه حرام درکام دارد. بصیر
کامجو

ذهول ، غفلت و نسیان از ادای رسالت میهنی ، گونه ای از ناتوانی
وسستی اراده است . بصیر کامجو

بخش اول :

قسمت پنجم - گذشت

زندگی خیلی کوتاه و زود گذراست. چیزی که برای افراد عاقل در آن با اهمیت است ، گزیرش آهنگ هوشمندانه گذشت ، جهت استمرار خوشبختی و بختیاری انسان است . بصیر کامجو

نبود گذشت را در زندگی می توان یک خلاء بزرگ اخلاقی و سلوک پنداری و رفتاری ، شناخت . بصیر کامجو

گذشت ، سجه نیک نجابت است. و نجابت گهر برارنده است که از سوی ذات حق به انسان ارزانی می شود. کسانی که دارنده سجه نیک نجابت نیستند ، با تأسف که آنها شیر اند ، و بر بنیاد ذات شان در تخالف با ارزش گذشت ، همیشه شرارت می آفرینند . بصیر کامجو

گذشت جوهر زندگیست، با این نگرش که اگر برمسیرت عادل
حقوق انسانی عمل گردد . بصیر کامجو

سازش ، چشم پوشی وگذشت ، یک شیوه مدبرانه و اخلاقی ، یک
رویکرد آینده نگر برای تقویه دوستی و همجوشی بشمار می آید .
بصیرکامجو

عفو وگذشت ، نیت و اراده نیک ، یک اسلوب انسانگرایانه
در راستایی تقویت زندگی بدون رنج است . بصیر کامجو

زیست اجتماعی انسانهایی هم زبان وهم تافت ، هنگامی باهم در
جوشش قرار می گیرد، که گوهر دگر دوستی آنها بر بنیاد " گذشت
" و همدیگر پذیری استوار باشد . بصیر کامجو

بزرگترین ارزش توانمندی یک انسان نیکوسگال ، در گذشت ، عزت نفس ، دیدگاه دوراندیشانه وی نهفته است. بصیر کامجو

هرگونه موفقیت و تغییرات مثبت در زندگی فردی و جمعی بدون تردید از راه خودگذری ، گذشت و فداکاری، امکان پذیر است. بصیر کامجو

گذشت رفتار اخلاقی اعتماد بنفس را تقویت می بخشد و نقش سازنده ای در پاکیزگی نیت انسان ایفاء می نماید. بصیر کامجو

گذشت بازتابی از گشایش پل دوستی به مرام تقویه همبستگی و همزیستی است . بصیر کامجو

گذشت نمای مقبولیت بینش یک فرد دانشور در ارج گذاری به نجابت و کرامت انسان است. بصیر کامجو

باید ارزش اخلاقی گذشت را همیشه گرامی داشت و آنرا انگیزه ای بسوی پاکیزگی و کمال عزت نفس دانست . بصیر کامجو

صلح و امنیت در یک جامعه از خانواده می آغازد . هر قدر پسر بچه ها در آرامش و ثبات خانوادگی بزرگ شوند ، به همان مرتبه صالح ، نیکوکار ، شایسته و پایبند به اصول اخلاقی ، به جامعه تقدیم می شوند . بصیر کامجو

زیباترین آرایش فکری برای یک انسان شایسته اینست که : دشمنی را بدوستی ، جدایی را به همزیستی ، نفرت را به مهربانی و کینه را به گذشت جایگزین سازد . بصیر کامجو

اساسی ترین و ناب ترین ارزشی که از فرهنگ باستانی نیاکان ، به ارث گذاشته شده است ، همین گذشت ، بمفهوم انسانیت است . بصیر کامجو

سجایایی اخلاقی سازش وگذشت شامل ارزشهای سلوکی : خوش
نیتی ، راستگویی ، سخاوت ، خیرخواهی، مهربانی ، آبرو داری
... و غیره می باشد . بصیر کامجو

گذشت عاقلانه درزندگی، بمعنای کارپدن دانه دوستی برای
نسلهای آینده است. بصیرکامجو

گذشت یک انتخاب راستین عقلانی است . انتخابی که در دنیایی
درون انسان مورد تخالف نفس اماره قرار می گیرد . این اراده
آهنین انسان است که به خواست نفس اماره نه می گوید ، وبه
سخن پاکیزه عقل ، تمکین می گذارد . بصیر کامجو

گذشت به معنی تأکید در روند زندگی مانند است. بصیرکامجو

گذشت ، به گلستان حیات روح زندگی می بخشد وازچشمه زلال
آدمیت سیراب می شود. بصیرکامجو

گذشت کردن ، گونه ای از رشد و کمال معنوی انسان است .
بصیر کامجو

بزرگ منشی به سه ارزش اخلاقی بستگی دارد. مهربانی قلب ،
تنبیه بی آرایش ، دوستی بی کینه . بصیر کامجو

مردان بزرگ کسانی اند که : خوش قلب ، پاکیزه خوی ، وفادار
بقول و قرار و عهد ناشکن باشند. بصیر کامجو

بمدد مهر ، خرد و تدبیر انسان قادر است که در برابر تخالفات
جاری زندگی گذشت نماید و باینش دوران‌دیشانه مشکلات کلان
زندگی را همچو یک چالشی ، حل شدنی و قابل درک بداند .
بصیر کامجو

اگر تدبیر باشد ، حل مشکلات زندگی خیلی ساده هستند. این روال نگرش ماست که آنرا بزرگنمایی می کنیم . بصیر کامجو

گذشت را باید از مادر آموخت . مهرگرمش از جنس پاکیزگی است ، احساس قلبش از جنس عشق و عاطفه، بردباری و تحملش ازلی بر تافته از ذات حق ؛ درودا ! به این گوهر تابنده راز مقدس زندگی . بصیر کامجو

گذشت باز زیست دوستی است ، اگر در زندگی نسبت به رفتاری مایه ای کسی در دلتان بجای محبت کین گره خورده باشد ، با دست امید میتوان آن گره را باز کرد . زندگی شیرین است ، بارفتار کوتاه بینانه آنرا تلخ نسازید . بصیر کامجو

اگر گذشت را تجلی گهر بار بیداری خرد در انسان بشماریم ، پس روش نامتعارف انتقامجویی ، نادانی محض ای بیش نیست . بصیر کامجو

گذشت ، آشتی نمودن باخویشتن ، برای آرمیدن احساس اخلاقی انسان است. بصیرکامجو

گذشت کردن در زندگی یک بُرد انسانی است . که سود معنوی آن در آینده ظاهر می شود . بصیرکامجو

گذشت نوع احساس توانمندی و اعتماد بنفس درانجام یک کار نامتداول است. بصیرکامجو

در جامعه هر گونه گذشت و سازش اخلاقی ، اجتماعی و انسانی میان مردم مجاز است. اما قاتلان مردم ازین رویکرد مستثنا اند ، آنها بجای عفو و بخشش ، بیدرنگ به پنجه قانون سپرده شوند. گذشت کردن در برابر قاتلان مردم ، خیانت ملی بشمار می آید. بصیرکامجو

گذشت بزرگداشت از آدمیت است. با بخشایش و گذشت ، زندگی کردن را آسان سازید . بصیر کامجو

گذشت روزنه ای است بسوی آشتی ، و آشتی بستری است برای دوستی ای که سنگپایه اعتماد و همبستگی را در همه سطوح مستحکم می سازد . بصیر کامجو

گذشت خاصه بزدلان نیست . این رادمردان و دلیران اند که دست خیر ، گذشت و بخشش ایشان در عمل بالاست . با فرهنگ گذشت و سازش در جامعه خویش احساس همزیستی را جاری سازید . بصیر کامجو

فروزندگی راز کمال خرد در چه نهفته است ؟ تنها دررویش دانش ، همزیستی و گذشت . بصیر کامجو

گذشت یکی از فضائل اخلاقی انسان است . با گذشت آسایش و دلگرمی بدست می آید و باخشم ، افسردگی و دلسردی . بصیر کامجو

چشم پوشیدن از پرخاشجویی و بد دهانی ، افترا و تهمت ، نشانه دیگری از گذشت ، بزرگواری و عیار است . بصیر کامجو

این گذشت است که در مراودات خانوادگی سبب احترام و آسودگی ، مهر و آشتی ، دوستی و ایمنی ، فرهنگ و خوشی می گردد . بصیر کامجو

گذشت کردن و مهربان بودن در مردانگی ست ، مردانگی در گذشت و مهربان بودن است . بصیر کامجو

روی سیاه ترین ، بدبختترین ، شرمسار ترین و نکونبخت ترین انسان کسی است که در مقام یک رهبر تنها مولد جنگ و جنایت ، وحشت و دهشت ، درد و غم برای مردمش باشد . بصیر کامجو

گذشت همچو موسوم بهاری ایست برای سرسیزی و شگوفایی
زندگی ، روزنه ای است بسوی روشنایی و قدمی ست برای
زدودن تاریکی . بصیر کامجو

حقیقت در زندگی پیدایی و شناخت راز پوشیده ای کنه ذات شئی
است که ، اگر از راه عقل و تجربه و دانش بدست بیاید به آگاهی ما
می افزاید و اگر از راه پندار حاصل شود به ایمان ما .

در هر دو مورد « بُود حقیقت » مستقل از ماست و به نگرش
عقلانی و پنداری ما کدام بستگی ای ندارد. بصیر کامجو

بخش دوم :

قسمت یکم - آزادی

آزادی ، حق انتخاب بدون موانع است . بصیر کامجو

آزادی ، جلوه گاه روشنایی و نمود تداوم بُود انسان است .
بصیر کامجو

آزادی ، رهایی حق انتخاب از بند است . بصیر کامجو

آزادی ، بستری رویندگی اندیشه ، آسایش و امنیت است .
بصیر کامجو

در هر کشوری که جنگ جریان دارد ، آنجا آزادی نیست .
بصیر کامجو

هر جنگ وجدالی که در جهان اتفاق می افتد بغیر از اهداف مادی ،
یا برای استقرار آزادی است ، ویا برای نابودی آزادی.
بصیر کامجو

تازمانیکه رسانه ها از گلو منافع دولت صدامی کشند ، در آن
سرزمین از آزادی خبری نیست. بصیر کامجو

درخت تنومند آزادی تنها با نیروی میهن پرستان و پاک سرشتان
، آبیاری می شود . بصیر کامجو

آزادی پایه اساسی و عامل همبستگی و اتفاق شهروندی در یک
کشور است. بصیر کامجو

استقلالیت قوای سه گانه یک دولت : قوه قضائیه ، قوه اجرائیه
وقوه مقننه ، در عمل ، مبین استقرار آزادی ودموکراسی
دریک نظام مردم سالار است. بصیرکامجو

آزادی نیروی محرکه ای زندگی ، در سازندگی ، آفرینش
وخلاقیت یک جامعه است. بصیرکامجو

آزادی، یک چراغ روشنایی درکشوراست. بانور آزادی کوچه
وپس کوچه ها روشن می شود. آنانیکه از آزادی میترسند ،
دزدانی اند که به تاریکی نیاز دارند. بصیرکامجو

آزادی ، حق انتخاب وگزینش ، آموزه های روشنی اند که !
از دوران اجداد ما هخامنشی ها به رهبری کوروش بزرگ
به ما رسیده - ودر تاریخ بشریت به خط زرین درج است.
بصیرکامجو

به هر اندازه که زندگی انسان به اکسیژن (هوازا) وابستگی دارد ، به همان پیمانانه جامعه و نظام به آزادی نیازمند است .
بصیرکامجو

آزادی ، دوچشم روشن دموکراسی و جامعه مدنی است .
بصیرکامجو

آزادی و امنیت لازمه یکدیگراند . وجود هر دو در تناسب همگون رویت حاصل می کنند . رهبرانی که بابلندگوهای دولتی به اولویت امنیت و جنگ تأکید می ورزند در حقیقت تلاش شان اینست که با زنجیرهای ساخت قدرت ، آزادی را خفه نمایند .
بصیرکامجو

آزادی واگذاری قابلیتها و توانایی آهنگ گزینش ، برای انسان است . بصیرکامجو

آزادی ، جاری ساختن امکانات عملی گسترش دانش ، برای وارستگی انسان از جبر جامعه ، جبر خانواده و جبر خویشتن است . بصیرکامجو

هر قدر پیشرفت و توسعه دانش و آگاهی یک جامعه بمدارج عالی معرفت ارتقاء یابد ، متناسب با آن ، زیرساخت های مادی و معنوی دموکراسی و آزادی در آن جامعه ، نیرومندتر می گردد . بصیر کامجو

آزادی زاینده خرد و آگاهی است . خرد و آگاهی به انسان : توانایی حق سازندگی و تصمیم گیری ، تقویه خودایستایی و ابراز وجود را به ارمغان می آورد . بصیر کامجو

تمام خوشی و شادی ، لذت و سلامتی ، اتفاق و همبستگی یک سرزمین ، بدون موجودیت آزادی غیر ممکن است . بصیر کامجو

در نظام دموکراسی و آزادی است ! که حق ، مقام شایسته خود را احراز می کند . بصیر کامجو

آزادی ، یک ارزش انسانی یک نعمت خدا داد و حق ذاتی همه ای مردم است . بصیر کامجو

آزادی صدای حق و عدالت است. هر جای که این صدا در بند است ، آنجا حق و عدالت وجود ندارد. بصیرکامجو

با آزادی میتوان سنت های دست و پاگیری که مخالف تعادل حقوق شهروندی باشد ، از دامان پاک فرهنگ اجتماعی برچید . بصیرکامجو

تأمین آزادی ، هرچه بیشتر به درک و تکامل شعور اجتماعی مردم بستگی دارد. بصیرکامجو

مولد آزادی ، مردم و فرهنگ والای یک سرزمین است. اما مردمان درمانده ، ذلیل ، مزدور و فاقد فرهنگ ، آزادی را از استکبار گدایی می کنند. بصیر کامجو

در کشورهای که دین و مذهب با سیاست سروکاری ندارند. فرهنگ، علم و معرفت بدون محدودیت های سنتی، در دائره آزادی و دموکراسی رشد و گسترش می یابد. بصیر کامجو

در جوامع سنتگرا، آزادی به مفهوم رهایی زن از قید اسارت پندارهای کهنه و واپسگرا می باشد. بصیر کامجو

اگر شهروندی در جامعه خود با حفظ مصونیت فردی، دارای حق انتخاب دین، انتخاب همسر، انتخاب کار، انتخاب زیست، انتخاب آموزش و پرورش، انتخاب سفر و انتخاب مکان زیست... و غیره را به میل و اراده خود داشته باشد، در آن کشور آفتاب آزادی با گرمی تام در تابیدن است. بصیر کامجو

آزادی ، یک ارزش دانشورانه انسانی است که قدرت اراده
و تصمیم گیری رضامندانه را به انسان اهدا می کند.
بصیر کامجو

به اندیشه ما آزادی دارای حد و مرز است. که بوسیله قانون ها
و مقررات سیاسی و اجتماعی در یک نظام منتخب و برگزیده ،
بسود مردم بکار بسته شود . بصیر کامجو

هنگامی که ما از استقرار و نهادینه سازی آزادی سخن می
گوییم . آنها عبارت اند از: آزادی فکری ، آزادی بیان ،
آزادی اندیشه ، آزادی در تولید هنر ، آزادی انتقاد از قدرت حاکم
، آزادی رسانه و مطبوعات ، آزادی سیاسی ، آزادی اجتماع ،
آزادی ادیان، آزادی های مدنی ، آزادی مقاومت ، آزادی
اعتراض کردن، آزادی مذاهب، آزادی اقتصادی ، آزادی
تجمع های صلح آمیز و آزادی خواندن و غیره را در برمی گیرد.
بصیر کامجو

انگاره آزادی جنسی ، شامل ارزشهای تشکیل دهنده ذات آزادی نیست ، بلکه یک مشکل بهداشتی است، باید مورد مداوا قرارگیرد . بصیرکامجو

آزادی ، آزادی خواهی و آزادگی را گرمی داشت. این آزادی است که در جامعه حس بالندگی ، شادمانی، دلگرمی و غرور می آفریند. بصیر کامجو

گسترش آزادی در کشورهای نامستقل و وابسته امکان پذیر نیست . زیرا استقلالیت و خودمختاری بستر ذاتی گسترش آزادی و خود فرمانی ملی است. بصیر کامجو

آزادی یعنی توانایی اراده جمعی مردم ، برای نوآوری ، سازندگی و آفرینش است . بصیر کامجو

ریشه های انسانیت ، مروت و آدمیت ، تنها در گلستان آزادی به شکوفایی می رسد. بصیرکامجو

مردمی که به همسنگی و برابری حقوقی زن و مرد درامورات زندگی فردی ، اجتماعی و خانوادگی اعتقاد و باور ندارند ، و تأکید بر مرد سالاری جامعه می نمایند . دشمن آزادی اند. بصیرکامجو

آزادی ، مانند نجابت و کرامت جز ذات گوهری انسان است . بصیرکامجو

آزادی قطب نمای راه ، برای راهبرد بهتر زیستن است . بصیرکامجو

بوسیله استقرار آزادی راستین و بویژه آزادی رسانه ای است که ،
زمینه های باز شناسی و رشد فرهنگ بومی یک سرزمین
بر ملامی شود. بصیر کامجو

رهبران کشورها از آزادی زیاد سخن می زنند ، مگر برای به
بندکشیدن « نَفَس آزادی» تا که می توانند، نسق و قانون ایجاد
می کنند.

بصیر کامجو

آزادی سیلاب توفانی ای است که بزرگترین درخت استبداد را
از ریشه بر می کند . بصیر کامجو

آزادی جنگ افزار و ارستگی مردم ، از قید اسارت و درماندگی
است . بصیر کامجو

برای استقرار قانونمند ساختن آزادی واقعی در جوامع روبه انکشاف و سنتی ، به چندین نسل ! درس پی گیرنده روشنگری و خودارادیت ، درکار است . بصیرکامجو

تازمانیکه برداشت های ذهنی ، روحی و روانی جوانان و احساس اخلاقی آنها از آئین بدرد نخور ، وارداتی ، بیهوده و مهمل پاکیزه نگردد ، و در مقابل ، اندیشه های ناب ، ترقی پسند و تکامل یافته جایگزینش نشود . پیوسته آنها مقاومت نا بخردانه خود را در برابر ارزشهای انسانی آزادی خواهند داشت . بصیرکامجو

خود شناسی با آزادی پیوستگی وجودی دارد . هرگاه انسان خود را شناخت و به بزرگی و خلاقیت تفکرخویش پی برد ، آنگاه برای رهایی خودش از قید اجبار و اسارت زندگی ، آزادی را انتخاب می کند . بصیرکامجو

آزادی ، امنیت ، همبستگی و عدالت اجتماعی چهار ارزشی اند که رکن اساسی دموکراسی را تشکیل می دهند . بصیرکامجو

زمانی یک دولت برگزیده مشروع و مردمسالار به زندگی قانونمند خویش استمرار می بخشد که در رگ رگ حاکمیت سیاسی - ارگانهای محلی قدرت و اداره دولتی نظام ، خون پاکیزه چهارارزش دموکراسی : آزادی ، امنیت ، همبستگی و عدالت اجتماعی ، در جریان باشد. در صورت اهمال این ارزشها ، پایه های آزادی سست می گردد و جامعه بسوی چندگانگی ملی و تک صدایی کشاننده می شود . بصیرکامجو

بخش دوم :

قسمت دوم - مهربانی

مهربانی ، زیربنای دوستی و اعتماد است. بصیرکامجو

مهربانی ، نماد رویکرد تزکیه نفس برای انسان شدن است .
بصیرکامجو

با مهربانی ، کرامت و نجابت خود را جاویدانه سازید. بصیرکامجو

هیچ لذتی در زندگی نمی تواند، جای لذت مهر و شفقت را بگیرد.
بصیرکامجو

مهربانی همچو آب پاکیزه ای است که کدورت ها ، تیرگی
و آلودگیها را از دل انسانهای آزرده و افسرده شُستشومی دهد .
بصیرکامجو

مردمان مهربان نسبت به مردمان بی رحم و سنگدل از آرامش
روحی و روانی خوبی برخورداراند. بصیرکامجو

کسی که مشفق و مهربان است ، آدم راستکار ، استوار ، حق
شناس و ثابت قدم می باشد . بصیرکامجو

چیزی که مادر را از بقیه انسانها متمایز می سازد ، همین نوازش
و مهربانی گرم وی است . بصیرکامجو

افرادی که در کردار و رفتار آنها مهربانی خوش خُلقی و دوستی
وجود ندارد ، با تأسف که از مهر ذات اقدس بی بهره مانده اند.
بصیرکامجو

شاذ ترین التفات زندگی یک انسان باکرامت اینست که نیت شایسته و مهر سرشار داشته باشد. بصیرکامجو

مهربانی بستگی به سن ندارد ، به کمال معنوی و سهش اخلاقی انسان دارد. بصیرکامجو

مهربانی ویژه مستبدان نیست. هرگاه آنها مهربان می شوند . بدانی که دسیسه دیگری در راه است. بصیر کامجو

مهربانی نه تنها یک کار اخلاقی بلکه یک رویکرد انسانی ودانشورانه نیز است. بصیرکامجو

مهربانی کردن برای دوستان به عشق و محبت می افزاید ، مگر به مخالفان احترام اعتماد واستواری بوجود می آورد . بصیرکامجو

آموزش و پرورش سجایای اخلاقی مهر و محبت به پسر بچه ها خیلی با ارزش است . زیرا روان آنها را با عشق انسانی و با راستی و صداقت ممزوج می سازد . بصیر کامجو

هر پیوندی که در زندگی با عشق و محبت آغاز می شود لذت بخش تر ، سرور آمیزتر و استوارتر و پایه دار ترمی گردد . بصیر کامجو

در مهرورزی و محبت نسبت بدیگران سنجیده و متناسب گام بگذار . در غیر آن خسارتش بیشتر از فوائد آن است . بصیر کامجو

هر قدر احترام یک مرد به همسرش زیاد باشد ، متناسب به آن انگیزه دلگیری و مهربانی وی به زندگی و خانواده او بیشتر می شود . بصیر کامجو

در اجرای کار های روزمرگی آفرین وشادباش گفتن برای کودکان ونوجوانان چه در خانواده وچه در محیط آموزش وپرورش ، زمینه های اعتماد بنفس آنها را برای زندگی سعادتمند آماده می سازد . بصیرکامجو

اگر همه ای مردم مانند مادر ها مهربان باشند . چقدر زندگی آسان خواهد بود . بصیرکامجو

مالین دنیا واین زندگی را دوست می داریم . زیرا اگر این دنیا واین زندگی مقدس نمی بود خداوند جان و خرد ، آن را بقدسیت خویش خلق نمی کرد. حالاکسانی که این دنیا واین زندگی را به انسانها درد آلود وگلو گیر می سازد . آنها وابسته به گروه اهریمن وتاریکی هستند. بصیرکامجو

زندگی باغرور ولذت بخش آنست که : با ادای ادب به انسان شهروند احترام قایل شد . وفضای زیست باهمی را بانگرش انساندوستی به قله های بلند پیشرفت ودانش کشاند . بصیرکامجو

مردم انسانهای خوشروی ومهربان رامی پسندند. پس بیائید همه خوشروی ومهربان باشیم . بصیرکامجو

بی توجه ایی رهبران کشور به تدریس سجایای اخلاقی جوانان در برنامه های آموزش وپرورش ، سبب می شود که آنها در جامعه شریر ، بد جنس ، تباهکار ، مفسد بار آیند. بصیرکامجو

منبع مهر ومحبت مادر است . اگر می خواهید مهر ومحبت را در کشورگسترش دهید ازایمنی حقوقی واقتصادی وروحي وروانی مادر وخانواده آغاز کنید. بصیرکامجو

مادر پرقدرت ترین انسان روی زمین است که هرانسان قدرتمند را درآغوش گرم خود بزرگ کرده است . بصیرکامجو

آیا شما کسی را در زندگی با چنین قلب پر از عشق وصمیمیت دیده اید ؟ بجز مادر . بصیرکامجو

هر مردی که به هر نسبت و نیتی که باشد ، به مادر وزن : این منبع مهر و خوشی خانواده ارزش و احترام قائل نباشد ، خالی از سه چیز نیست ، یا نادان است یا وحشی و یا بیمار. بصیرکامجو

اگر کارهای ما همیشه آراسته و مرتب باشد ، در حقیقت ما از راز پیوند نموده‌ها و سازش و تخالف در وجود اشیا بهره برده ایم . و این راز نمود ها در دائره بود: تأویل و تفسیر زایاندن و میراندن ، برخورد و نزاحم ، خوب و بد ، خیر و شر است ، و این اموری است که در جهان بستگی به ذات پیچیده هستی دارد. بصیرکامجو

استقرار امنیت در یک کشور وابستگی مستقیم به آموزش و پرورش سالم رهبران آن کشور دارد. اگر این افراد در ایام طفولیت و نوجوانی از اساسات تعلیم و تربیه انسانی و سجایایی اخلاقی برخوردار باشند ، در مرکز توجه اهداف سیاسی آنها بجز امنیت و آسایش مردم چیز دیگری نمی بود . بصیرکامجو

اگر مردها مانند زنها مهربان وبا گذشت بودند ، هیچگاه سایه سیاه جدایی در خانواده افکنده نمی شد. بصیرکامجو

شکوه انسان در چهار چیز وابسته است. مهرورزی ، راستکاری ، پاکمنشی ، خویشنداری . بصیرکامجو

من هنگامی که شهروندان ایران امروزی را در دیار غربت می بینم برخی زیاد آنها فاقد مهر و محبت هم زبانی وهم تباری وهم فرهنگی با تاجیکان هستند . اگر تاجیکان ، پارسها و کردها همه فرزندان کوروش و داریوش اردشیر بابکان ، اسماعیل سامانی ... رودکی و فردوسی ، مولانا و ابن سینا ... هستند . و شما شهروندان ایران امروز به این رهبران و دانشمندان نیاکان مشترک مان با زبان قلم و سخن افتخار می کنید، پس جای تأسف است که قلب شما برادران همخون ما گواه این مهر و احساس نیست.؟؟
بصیرکامجو

مرد ها بایست همسنگی و برابری حقوقی و عقلانی زنان را در همه عرصه ها به رسمیت بشناسند . به سبب سرپیچی از این اصل است که هنوز هم در تمام جهان زن ها از جانب مردها آزار و اذیت می شوند . بصیرکامجو

بخش دوم :

قسمت سوم - حق وحق شناسی

هر ابراز وجود ، دارای دو انگیزه الزامی است :

- یکی احساسی

- دیگری عقلانی

انگیزه احساسی تازمانی در وجود فوران دارد که سهش ناچاری به قله های رفع التذاذ برسد، اما انگیزه عقلانی در وجود ، تازمانی به پروازاست که به قله های حق شناسی ، حق گیری و خود فرمانی فرود آید. بصیرکامجو

حق متعادل مشارکت در حاکمیت سیاسی ، وحق متعادل ملکیت برزمین ، یکی از شاخصه های بنیادی جامعه مدنی است . کشور های غربی برای تحقق چنین شاخصه هایی بنیادین به کشور ما آمده اند . باتأسف ودرد آشی را که آمریکا وشورکایش در این 20 سال پخته اند ، تا کنون چیزی به کام مردم ما نرسیده است. بصیرکامجو

آیا کسی درمورد اندیشه کرده که : حق و حقوق هم مشترک هست و هم انفرادی ، پس چرا ما در هیچ کدامش نیستیم . ؟
بصیرکامجو

بالغزش ها و رویکردهای زودگذرنمیتوان بحق غایی خویش نایل آمد . برای رسیدن به هدف ، مشکل را آسان بی بینید و باتدبیر و تعقل و گذشت ، راه کوتاه و بدون درد سر را دریابید . بصیرکامجو

حق ، آزادی و رهایی اختیار- از چمبره زور و تخویف است .
بصیرکامجو

چرا ؟ باین همه امکانات پیشرفته دانش و معرفت بشری ، باز هم مستبدان در برخی از کشورهای جهان با قتل و کشتار مردم حکومت می کنند. انگیزه اش چیست ؟ اینست که مردم آن سرزمین هنوز در خواب غفلت فرورفته اند و بجای اغتشاش و ابراز وجود و حق خواهی و مقاومت در برابر مستبدان ، خوش دارند که همه روزه مشغول به شمارکردن زخمی ها و مرده های خود باشند. بصیرکامجو

نیازمندی انسان در فرآیند زندگی چیست ، به حق خود رسیدن است .

بصیر کامجو

کسی که آغاز می کند ، انجامش نیز می تواند . آنکس به حق خود نمی رسد که در سرشت عمل وی ، نه آغازی وجود دارد ، و نه انجामी .

بصیر کامجو

مؤمن کسی است که گرونده به ذات خدا باشد . و خدا را خالق هستی و مخلوقات خدا را نیک و گرامی بیند . زمانیکه انسان مخلوق خداست و دارای کرامت و حرمت است . و خدا وی را به علم قدیم خویش نسبت به سایر زنده جانها با کرامت و حرمتمدار خلق نموده ، پس آنهائیکه به کرامت انسان هتک حرمت می نمایند ، خیانت بر امانت خدا می کنند، پس معتقد به خدا و خلق خدا نیستند . بصیر کامجو

صلح و شادی مولد آرامش روح است . و انسان در صلح و آرامش روح ، پروردگارش را پرستش می کند . آنانیکه صلح ، فرهنگ و شادمانی انسانها را از میان می برند . علیه حالات پرستش ، و نیایش بندگان خدا قرار می گیرند . بصیر کامجو

تجلی فرمان صلح کورش نخستین نوای دگردوستی در تاریخ بشریت است ، که به جای خون و خشونت ، نوید شادی و خوشحالی و بوی آزادی و انسانیت را سر داد . بصیر کامجو

میهن منبع پیدایی و بستر مستمر حیات آدمی است . عشق ورزیدن به آن خاستگاه ، تائیدی از شناخت ما به اصل اصیل سرچشمه ظهور وجود بشریت است . بصیر کامجو

امید وار بودن به زندگی شرافت مندانه جنب و جوشیست که انسان را متعهد به کار اخلاقی می سازد . بصیر کامجو

هویت تاریخی ، هویت فرهنگی و زبانی و هویت فناوری ... ارزشهای برآزنده میهنی ایست که معرف مراتب عزت و افتخار و غرور شهروندان کشور ها در عرصه ملی و بین المللی بوده و منحیث گوهر خلقت همبستگی ملی عرض وجود می کند. بصیر کامجو

کسی که نمیتواند بیرون از دایره مادیت و شهوت زندگی نماید ، توانایی پیشوایی و سروری را ندارد . بصیر کامجو

انسانی که می ترسد ، نفس آلوده و لقمه حرام در کام دارد . بصیر کامجو

بروز همه جنایت متجاوزین - علیه بشریت ، سوای حفظ بقاء ، دستیازی به قله های ممکنه مثلث بد جنسی (مادیت ، قدرت و شهوت) است . بصیر کامجو

زمانیکه گفته می شود حق برکسی است که زور دارد . پس با زور میتوان حق را از چنگال وی گرفت . بصیر کامجو

بخش دوم :**قسمت چهارم - احتیاج**

در کاوشهای علم و دانش جامعه شناسی کسه انسان یک موجود " آرمانی" می باشد مناسبت زیست وی با مفهوم « احتیاج » پیوسته در پژوهش و در هم خوردن است .

و واژه "احتیاج" در مسیر رشد و تکامل حیات اجتماعی و اقتصادی یک جامعه ، دائم در دگرگونی و تغییر بوده و این بستر گیرودار ، اراده و آرمان مقدس بینواها و تهیدست ها را در زندان آز بی نیازان و توانگران ، به بند می کشاند .

بازشناسی منبع مادی «احتیاج» و پیدایی راه های رفع واقعی آن ، یکی از اولویت های اساسی جامعه ما و دولت را تشکیل می دهد . بصیر کامجو

ناگزیری "احتیاج" در زندگی انسان در ابعاد وسیع زندگی تأثیر گذار است. بدین اساس آمیزش دنیای درون انسان در مبارزه برای رهایی از "احتیاج"، ارزشهای وجودی او را زیر روستاخته، و خویشتن انسانی را در خود فرو می برد، و انسان حاجتمند، در این جدال ماهیت حقیقی و شخصیت اجتماعی خود را از دست می دهد. و همچو شیء بیجان در روند رفع نیاز منقلب و متغیر می گردد. بصیر کامجو

اساس حقیقت وجودی هر انسان، همین "احتیاج" است، و انسان در این دنیایی جبروتحمل پیوسته در مقابله با عوامل نسخ و اقاله "احتیاج" قرار دارد. بصیر کامجو

از میان برداشتن حقیقت واقعی "احتیاج" در زندگی بر اثر اعمال فشار دنیای برونی نیاز انسان، پیوسته قربانی می شود. و در این شأن، نیت و اراده خود را در پیوند با مؤلفه های چسبیده شده به "احتیاج"، پدیدار می سازد.

بگونه نمونه : روسپی گری یکی از عوامل نسخ واقاله " احتیاج " است. که انسان از قله بلند " کرامت " به پله های پست " تن فروشی " فرو می آید که تا بتواند خلاء احتیاج و تهیدستی را پر نماید . بصیر کامجو

مولوی بزرگ در مورد می فرماید:

آنچه شیران را کند روبه مزاج

احتیاج است ، احتیاج است ، احتیاج

اقبال لاهوری با فایده گرفتن از سروده مولوی می نویسد :

ای فراهم کرده از شیران خراج

گشته ئی روبه مزاج از احتیاج

خستگی های تو از ناداری است

اصل درد تو همین بیماری است

واژه " احتیاج " یعنی نیازمند گشتن ، نیاز مند شدن و نیازمند بودن ، گونه های از کنه ذات بقاء انسان است . که بدون از بین بردن این نیاز ، ادامه حیات انسانی غیر ممکن است. بصیر کامجو

در جوامع سنتی و نا متعادل " احتیاج " مانند بیماری چنگار (سرطان) ارزشهای وجودی انسان رادر همه سطوح مادی ومعنوی، خُرد می سازد. و گلوی نیازمندان را می فشارد. بصیر کامجو

حق آزادی انتخاب ، یکی از مؤلفه هایست که با واژه « احتیاج » پیوند جلی دارد. اما باتأسف که این حق آزادی در جوامع سنتگرا و عقب مانده در دایره قدرت رژیم ها و حاکمان جبار قرار دارد.

بگونه مثال : " حق آزادی انتخاب " همسر و تشکیل خانواده ، حق آزادی انتخاب اندیشه و آئین و شغل ، حق انتخاب آزادی مکان کار و زیست و یا هر چیز دیگری که انسان در برگزیدن آن از حق آزادی کامل برخوردار نباشد ، از جمله عاملی اند که ، مسبب بیماری روانی " از خود بیگانگی " در انسانهای فقیر (مادی ومعنوی) بویژه در بانوان جوان می شود.

آتش سوزی و خودکشی بانوان درسالهای پار وحال سرزمین ما، ناشی ازهمین مسخ هویت انسانی درنفی « احتیاج » وعدم رعایت « حق آزادی انتخاب » درهمه جنبه های زیست فردی واجتماعی آن بوده است. بصیرکامجو

« اعتیاد » خوگرفتن ، وابستگی به برخی مواد از قبیل الکل ،حشیش، تریاک ، مُرفین ،هیروئین وغیره است . واژه اعتیاد با مقوله « احتیاج » یک تناسب متداخل ، متقابل ودرآمیخته دارند. فقدان نفی احتیاج در زندگی فردی وخانوادگی یک انسان است که سرانجام - وی منجر به اعتیاد به دخانیات و مسکرات ویا به هرشیء جاندار و بیجان دیگری می شود ، این روند ناتوانی بی ارادگی وعدم خود ایستایی ؛ در واقعیت گونه های منفی احتیاج است که هویت حقیقی انسان را واژگون ساخته و به هویت مجازی مبدل می سازد. بصیر کامجو

یکی از مؤلفه های دیگر « احتیاج » پول است. در زندگی پول میتواند یکی از عامل مسخ هویت انسان و یا ابتلاوی به بیماری " از خود بیگانگی" گردد .

زیرا هر قدر پول رباخوار - فزونی یابد ، به همان اندازه حس دنیا زدگی و آلودگیهای مادی در وجود وی تقویت می گردد و پیوند اجتماعی ، سلوک اخلاقی ، دوستی و نیت او به هم خورده ؛ و حس پول زدگی وجودش را عاری از معنویت و بیگانه از خود می سازد ، حرمت شناسی کرامت انسانی نزدش بیرنگ می گردد ، و همه چیز را با واحد اندازگیری " پول " سنجش می کند. بصیر کامجو

« احتیاج » یکی از نیازمندی های فردی و اجتماعی جامعه است که بر بنیاد نگرش ما این مشکل کلی اجتماعی منبع مادی و معنوی ویژه خود را داشته ، و در کشور های پسمانده و عقب نگهداشته شده بنسبت موجودیت رژیم های خودکامه و غیر مشروع که بر آنها حکومت می نمایند مستمر است . این مشکل درد زا و المبار در چنین جوامع روز تاروز زندگی شهروندان آنرا بسوی پرتگاه نیستی ، فقر و بیکاری می کشاند . بصیر کامجو

در آئین صوفیانه ریاضت کشی و عشق ورزیدن به ذات حق ، یک رویکرد سلوکی است که متناسب با واژه « احتیاج » در یک فرآیند مستمروپویا ، میتواند انسان (سالک طریقت) را از خود بیگانه ساخته و هویت حقیقی وی را مسخ نماید .

بربنیاد آموزش عرفانی ، این دگردیی در حقیقت تابندگی عشق معنوی در دنیایی درونی سالک طریقت است که وی را می دارد تا از راه نیایش ، خلسه ، اوراد ، انکار ، پرستش وزاری بدربار حق - برای تزکیه نفس اماره و صافی وجدان ، هویت حقیقی خود را گم می نماید و هویت شبه خویشرا ، فرورفته در " نور حق " می یابد.

چنانچه حافظ بزرگ مینویسد:

چنان پُر شد فضای سینه از " دوست "

که رنگ " خویش " گم شد از ضمیرم

هزاران مؤلفه های " احتیاج " انسان در جوامع کهنه خوا و کهنه پرست ، از آنجمله کشور ما وجود دارد که سنگپایه ناهمگونی و نابرابری و تنگدستی زیست شهروندی را تقویت می نماید . و شخصیت وارسته ای انسان صاحب کرامت را در مسیر از هم پاشی هویت حقیقی اش قرار می دهد.

دولت‌ها مکلفیت دارند که تا در فرآیند سیاست‌گذاری‌های دراز مدت خویش که مجموعه‌ای از اقدامات عقلانی است، این مشکل انسانی و اجتماعی را شناسایی کنند و در راه از میان برداشتن این مشکل اجتماعی و خانواده اقدام عملی نمایند.

بصورت عام "احتیاج" یا نیازمندی‌های اولی انسان:

1- کار،

2- خانه،

3- تندرستی، است.

تأمین این سه نیازمندی که امنیت، حیثیت و شرافت انسان را ضمانت می‌کند، در همه وقت بایست اساسی‌ترین بخش برنامه‌های سازندگی نهاد‌های دولتی را تشکیل بدهد.

دردا که! تمام نهاد‌های دولتی، دول خود کامه درمردابه ای " از خود بیگانگی" غریق اند و نمی‌خواهند که "احتیاج" مردم از ریشه نابود گردد. یعنی بکلام دیگر، گلوی "آز" خودکامگی آنها، خود "ذات احتیاج" را نواریده اند. بصیر کامجو

هر قدر زندگی انسان آمیخته و وابسته به «احتیاج» باشد . فقدان رفع «احتیاج» ، زوال احساس تعلق و وابستگی را از یکسو و اتفاق چگونگی « از خود بیگانگی » را از سمت دیگر در انسان شتاب می بخشد و هویت وجودی و غرور و گردن فرازی ذاتی وی را بی تکلف در پرتگاه نابودی قرار می دهد.

در چنین حالت انسان محتاج ، خویشتن را متعهد به - فرمانبرداری ، بندگی ، خدمتگزاری، کهتری ، پیشخدمتی ، نوکری ، به قدرتمندان و رباخواران و حاکمان می داند . و آنها را منحیث موجود برتر از خود می پذیرد. بصیر کامجو

تأثیر فرهنگ شهادت و انباشته شدن سنت های پاکیزه در یک کشور ! مصونیت ، مالکیت فکری و معنوی شهروندان آنرا تباه می سازد و قشر بی‌نویان جامعه را بینوا تر و ناتوانتر می گرداند . بصیر کامجو

دنیای « احتیاج » ، دنیای درد و غم و اندوه است . بدنبال از میان برداشتن این درد قرون باید بود . بصیر کامجو

هرگونه تهی دستی، ناتوانی و عدم تشکیل خانواده در یک جامعه ، ناشی از دشواری و تنگنا « احتیاج » است. بصیر کامجو

زور و توان یک انسان در بازوی او نیست ، در اندیشه و تفکر و اراده وی جادارد. بصیر کامجو

پاسخ نیکی ، نیکی است ، پاسخ بدی را با مهر و محبت نیک ساخت.

بصیر کامجو

چرا آفتاب سایه ندارد ، زیرا ذات نور زایل کننده سیاهی است.

بصیر کامجو

زندگی توانگران بنسبت تراکم و تکاثف اتفاقات دنیازدگی ، بد تر از نیازمندان است. بصیر کامجو

رد نمودن بینش عقلانی نشانه نادانی است . نادان کسی است که قدرت تمیزش درگرو ایقان و باوربندگی ، گیرمانده باشد . بصیرکامجو

هیچگاه به دانش امروزت بسنده مکن ، زیرا فردا نادان خواهی ماند. بصیر کامجو

هرقدر بیشتر و ژرفتر به اشیاء نگاه کنی ، بکن ، زیرا سرانجام این نگرش راه را بسوی شناخت کمال بازخواهی کرد . بصیر کامجو

راز دارباش ! زیرا رسوا ساختن کسی درحقیقت به بی اعتباری خودت می انجامد . بصیر کامجو

بفکر بهبودی ، بالندگی و رویدگی چیزی باش که دراختیارداری . بصیر کامجو

هنرکسب علم و معرفت ، فضیلت و کمال فکراست . پس با این قدرت و توانایی هنر ، می توان زندگی را رنگین ، دلارا و دگرگون ساخت .

بصیر کامجو

آزادی ، نفس انسان است . بدون آزادی استمرار خوشبختی و سعادت غیر ممکن است . هر فکر و ذکر ، اندیشه و آئینی ، رژیم و نهادی که بخواهد این نفس زندگی را از ما بگیرد ، نزد ما منسوخ است . بصیر کامجو

راستی و درستی به نیت نیک بستگی دارد ، نه به وقوف و معرفت و ادراک . بصیر کامجو

انسان در دنیای بسته دیدش زیست می کند نه در دنیای حقیقی بود . بصیر کامجو

نیک اندیشی و پاکیزگی نفس تنها میزان بینش خوبی است . بصیر
کامجو

با عقل و خرد می شود به کنه ذات شئی پی برد . بصیر کامجو

روز زن و جلال و شوکت وی را همیشه گرامی داشت ، زیرا
زن خاستگاه و سرآغاز زندگی بشریت است . اگر زن نبود ماهم
در این هستی سرا ، نمی بودیم . بصیر کامجو

دوری و نزدیکی از خویشتن - بستگی به پاکیزگی یا آلودگی هوای
نفس دارد . بصیر کامجو

محبت نمک زندگی و نمودار انسانیت است . بصیر کامجو

هر قدر آگاهی و دانش ارتقا یابد به همان مرتبه نادانی خویشتن
آشکار می شود . بصیر کامجو

انسانها منبع رمز اند ، هرکس چیزی می داند که دیگری نمی داند
بصیرکامجو

اگر می خواهی همیشه آزاده باشی باید خود را از تعلقات دنیائی
، پاکیزه نگهدار. بصیر کامجو

مسئولیت پذیری ، احترام گذاشتن ومهرورزیدن به پدر ومادر
و خانواده : تکلیف انسانی ، میهنی و اخلاقی ست که در
برابر هر شهروند جامعه قرار دارد. بصیرکامجو

اعتماد بنفس ارزشی ست که باورمندی به خود را تقویت می
بخشد ودستاویز برخورداری انسان در زندگی می گردد . بصیر
کامجو

عشق ورزیدن یکسان به همه ، عالی ترین مقام کمال آدمیت است
بصیر کامجو

انسانها منبع رمز اند ، هرکس چیزی می داند که دیگری نمی داند
بصیر کامجو

رفتارموزون نشانه آرامش دنیای درونی و معرف مقام قیادت
است. بصیر کامجو

هر انسان هوشیار تلاش دارد که در مسیر انسانیت گام بردارد ، اما
تازمانی که نفس اماره در وجود ماحاکم است ، رسیدن به این
آرمان مقدس کاریست دشوار . بصیر کامجو

میان آدمیت و شرافت یک رشته پیوند اخلاقی وجود دارد و آن
گوهر حقیقت آدمی است . بصیر کامجو

خیانت و جنایت بیشتر از کسانی سر می زند که بی مایه و کم ظرف
اند. بصیر کامجو

با عشق ، عقل ، دانش و تدبیر می شود زندگی شیرین ، بدون درد و پراز شور و خوشی را تجربه کرد. بصیر کامجو

یکی از ترفند های با اهمیتی که به زندگی شادی می بخشد ، شناختن ارزش وقت است . بصیر کامجو

از رویارویی با گستاخ بدور باش ، زیرا این قماش نه شرم دارند ، نه ادب و نه حیا . بصیر کامجو

رهبرانی که مردم را به جهاد و شهادت تشویق می کنند ، آنها به این باورند که انتخاب راه شان درست است. اما غافل ازین که ریختن خون هر انسان کرامت مدار به هردین و آئینی که باشد جنایت شمرده می شود . چون کرامت انسانی ، ذاتی خداداد و شالوده عقل و اختیار است . و در قوانین حقوق بشر به عنوان یک ارزش دینی و انسانی پذیرفته شده است. بصیر کامجو

هر آبروریزی ای که ناشی از احتیاج روزگار ، برای انسان مستمند مستولی گردد ، آنرا یک درد اجتماعی قبول کردنه مشکل فردی . بصیر کامجو

مردمان کوتاه فکر به درستی و نادرستی اندیشه ها توجه و التفاتی ندارند ، بلکه عاشق باورها و پندارهای خویش اند . بصیر کامجو

کورمادرزاد دو قسم است . یکی آن که از مادر نابینا تولد می شود . چیزی را نمی بیند . و دیگری با چشم بینا پا به جهان می گذارد اما با یک تفاوت که واقعیت های جهان هستی را با بینش کورکورانه نگاه می کند . بصیر کامجو

شاد اندیشیدن ، شاد بودن ، شاد زیستن خبرگی است که به زندگی انسان معنا می بخشد . بصیر کامجو

هرکسی که در راه سعادت دیگران تلاش می‌وزرد ، درحقیقت
اونشانی راه سعادت خود را دریافته است. بصیرکامجو

تازمانی که انسان چیردستی بر هوای نفسانی خود نداشته باشد ،
پیروزمندی وی بر اراده مردم ، غیر قابل پیش بینی است . بصیر
کامجو

بخش دوم :

قسمت پنجم - واژه ذات

شناخت عقلانی انسان در باره حقیقت واژه " ذات " مناسبت همه شمول این گوهر را درآمیختگی بود هستی بیان می کند. بصیر کامجو

" ذات " مشابه : ، هستی ، حقیقت و گوهر وجودی نفس هر شیء است ؛ تأمل ما در مورد ذات در واقع نگرشی بر هستی شناسی بنیادین شیء در روند متغیر تجلیات ، از مکان استقرار " بودن شیء " تا فراسوی " شدن شیء " در جنبیدن همیشگی به مسیری نهایت در جولان است . بصیر کامجو

سرشت راستین ذات شیء در آنچه قایم به خود ذات است تعریف می شود نه در آنچه دست خوش تغییر است. بصیر کامجو

تفکر و آموزش در باب حرمت شناختی جوهرذات ، میتواند در دو بُعد به نفع تغییراندیشه انسان هوشمند مفید واقع شود. یکی در تقویه سجایای اخلاق تطبیقی، و دیگری در آموزش فلسفی و عرفانی خود ذات . بصیر کامجو

هر قدر تدبیر و نیت دولت ها ، مایل بر روشنگری و باز شناسی حقوق و موقعیت اجتماعی " ذات انسان " و گوهر کرامت مدار وی ، خردمندان و انسانی باشد ، به همان میزان جامعه بسوی همزیستی سوق می یابد. بصیر کامجو

در اندیشه ما ارزشهای برجسته ای که موجب تغییر در تعریف ذات انسان می شود . و آن نه تنها در بردارنده قدرت تفکر و فهم و انتخاب و آفرینندگی ذات او، نهفته است . بلکه خود انسان با اراده آزاد و رفتار و کردار غایتمندانه خویش منبع و خاستگاه اهداف اخلاقی و مولد پیمانهاست. که این " پیمانها " ها " نمودی " از قدرت خودآگاهی انسان و نمایش " کرامت " ذات اوست . بصیر کامجو

در بسته موجودات کل هستی ، ذات انسان یک " وجود اصیل " و داری گوهر شریف " کرامت " است. هر انسانی که به این گوهر شریف تمکین نمی گذارد ، هنوز در دایره توحش قرار دارد. بصیر کامجو

اگر گوهر " کرامت " را به عنوان گوهر تعیین کننده " ذات خود آگاه " انسان قبول کنیم . تکلیف مان در روند هستی شناسی بنیادین ذات انسان ، وقتی به یقین می پیوندد که ما در مسیر شناخت و معرفت آزاد مندانه ای خویش ، بجای نفی حقیقت گوهری ذات ، در جایگاه دفاع و بیان ماهیت و ارزش آن بی ایستیم . بصیر کامجو

دانش چراغ راه تاریک بشریت است ، که انسان بوسیله بینش شگفت انگیز ، " بودن " خویش را بمثابة واقعیت عینی در طبیعت و جامعه - هوشمندانه معرفی می کند. و برای اثبات روند حقیقت " شدن " خود بسوی آینده ای دور ، که وی در آن دیگر وجود ندارد، سهم رسالت مند اداء می نماید . بصیر کامجو

حقیقت سرشت بُود " ذات " در وجود - عرضی و اتفافی نیست ،
تغییر ناپذیر و ابدی است. بُود " ذات " انسان با " کرامت " وی
که در مراتب امتزاج ذاتش متجلی یافته ، مناسبت های در خور
تداخل داشته و جزء کنه ذات است. بصیر کامجو

حقوق ذاتی انسان یک مقام ارتقایی ذات است که اساس کرامت
انسان را تبیین می کند . به این اساس انسان موجودی است که
به هیچ وجه نمی تواند جدا و گسسته از گوهر وجودی " کرامت
" خویش باشد. بصیر کامجو

کرامت رامیتوان اقامت گاه بودن ذات نامید ، یعنی افقی است که
در آن مرتبت نهایت های گَرَم ، قدر و منزلت و شرف و آبروی
انسان آشکار می شوند. بصیر کامجو

بخش سوم :

قسمت یکم - خرد و قدرت تمیز

خرد توانایی و قدرت تمیزاست درشناخت رویت اشیاء.
بصیرکامجو

گوهر " کرامت " که خود یک خصلت و جودی " ذات انسان " است در همه موارد به تعینات و تجلیات حقوقی ، اجتماعی و اخلاقی انسان گره خورده است ، آن مقام قابل قبول نمودی از ندای وجدان و امتیاز بشریت است. که به آن گوهر بایست ارج و حرمت گذاشت . بصیر کامجو

خرد به مفهوم تدل و اقامه به شیوه های عقلانی در اندیشیدن و سلوک رفتاری و گفتاری و کرداری در انسان است. بصیر کامجو

خرد عبارت از وقوف قدرت عقل در درک و معرفت حقایق اصلی هستی در جهان بود ، است . بصیر کامجو

انسان خردگرا، بادرست بینی ، هوشمندی و گزینش عقلانیت پیروزمند به دریافت کنه ذات و گوهر هستی می شود .
بصیر کامجو

آدم خردمند ، نیازمندی به دنیای جبروت ندارد ، بلکه جلال و شوکت وی در خرد اوست . بصیر کامجو

آزادی حق ذاتی هر انسان است . و آن نوریست الزام آور خوشبختی و سعادت انسان ، برای بدست آوردن این گوهر زندگی مقاومت خردمندان و استواری و ابراز وجود لازم است.
بصیر کامجو

خرد راه رهایی از بند هر قید زندگی است . بصیر کامجو

خرد به انسان توانایی ، قدرت ، استواری و بسندگی می بخشد .
بصیر کامجو

اگر میخواهید امنیت را در جامعه تأمین نمایید بهتر است که آنرا
به مدد خرد و عقلانیت در دنیایی درون خود تجربه کنید .
بصیر کامجو

امنیت دنیای درون ما بستگی به خرد ما دارد . هر قدر با خرد
ورزی سروکار داشته باشیم از امنیت درونی برخورداریم . همین
امنیت درونی انسان است که در بستر همزیستی عقلانی به امنیت
سراسری جامعه تبدیل می شود . بصیر کامجو

خرد همچو آفتاب نیست که می درخشد ، در پرتوی نورش همه چیز
گرم و سرسبز و دلارا می گردد . بصیر کامجو

نمود دیگر خرد ورزیدن در زندگی : اندیشیدن ، اندیشیدن و باز هم اندیشیدن است. بصیر کامجو

یکی از شیوه های خرد انسانی آنست که ، از خودشناسی می آغازد و تا خودشناسی می انجامد. بصیر کامجو

آرامش به انسان هنگامی دست می دهد که با چشم خرد جهان را مشاهده کرد . بصیر کامجو

آدمی با بینش خردمندانه به هستی ، به کشف قوانین پیوستگی اشیاء راه باز می کند و زندگی را دلپذیر و پسندیده می سازد.
بصیر کامجو

خرد فرآیند عقل عملی و کاربرست عقل نظری برای شناخت سرشت شیء است. بصیر کامجو

خرد قوه ادراکی ویژه عقل انسان در بُود عقل کُل است. عقل کُل یک حقیقت وجودی هستی است که جمال جلوه شیء ای را برحسب قانون نفی در نفی در دائرة وجود فراهم می سازد ، و همه تبدلات و دگرگونی های جهان را در بسترة قوانین تکامل و تغییر ، پیوستگی و جنبش ، ممکن می گرداند . عقل کُل یک نیروی مثبت جهانی است که هماهنگی کائنات را در سامانه هستی ترتیب می دهد. بصیر کامجو

قدرت تمیز توانایی خرد است و آن قوه ادراکی ویژه در عقل انسان جادارد . که وی را به سوی روشی برای سنجش درست و باز شناسی کیفیت و اعتبار چیزی می کشاند و با هوشمندی ، عقل و آگاهی او سر و کار دارد. بصیر کامجو

خرد در زندگی انسان از اهمیت والای برخوردار است. انسان به مدد قدرت تمیز عقل میتواند در گزینش چیزی میان بد تر و خوبِ خوبتر ، راه درست را انتخاب نماید . بصیر کامجو

خرد دارای مؤلفه های ذیل است که عبارت اند از: بینایی، تعیین هویت، دقت و سنجش، اندیشیدن، بررسی کیفیت، تمرکز فکر، هدفمندی، فرق گذاشتن، جداسدن، قوام کار، هوش و بینشمنندی، آزمون و قیاس، رعایت معیارهای نازک بینی و خرده بینی، تعیین میزان دست یابی به حقیقت... و غیره می باشد. بصیر کامجو

خرد قدرت تمیزفکرو یک کنش فکری روند دستیابی به حقیقت ناب است، و گونه های از شناخت عقلانی انسان از جهان هستی است، که با به کارگیری مؤلفه های شناخت: ادراک و شُهش، تفکر و شهود، رویت جرمی حاصل می کند. بصیرکامجو

خرد و قدرت تمیز همان گونه ای که با عقل انسان پیوند مستقیم دارد با تیزهوشی و ذکاوت، آگاهی و معرفت، دانش و تجربه، موقعیت زیست انسان، مراتب آموزش و پرورش نیز سروکار داشته و پیوسته سنجش و گزینش دقیق و بینش عقلانی را می خواهد. بصیر کامجو

خرد و قدرت تمیز ، گونه ای از توانایی انتخاب و باز شناختن و فرق گذاشتن و جداکردن میان روشنایی و تاریکی است . خرد و قدرت تمیز ای را که مالز آن سخن می زنیم همان قوه ادراکی عقل است . نباید آنرا با عقل ناب همسان دانست . بلکه یکی از ویژگیهای قوه شناسایی عقل در دریافت حقایق زندگی انسان می باشد. خرد و نیروی قدرت تمیز در وجود انسان همچنان ، بستگی به پاکیزگی نفس دارد. کسانی که برآستی چیرگی بر نفس خود دارند و دنیای درون شان از آز نفس مبرا شده است ، آنها از توانایی قدرت تمیز و درک شهودی و عقلانیت در شناخت هستی گُل برخوردار هستند . بصیر کامجو

خرد بازشناسی درست از کنه و سرشت چیزی است که میتواند با انتخاب آن ، پیشرفت و فرهنگ در زندگی انسان و خانواده رونما گردد. همه کس آرزو دارد که مناسب ترین راه موفقیت آمیز را در زندگی خویش انتخاب نماید. اما افزون بر ده هامشکلات پاگیر جامعه و خانواده ، نقش خرد در انتخاب راه درست و نادرست از اهمیت ویژه بهره مند است. بصیر کامجو

نفوذ بیش خرد و رزانه یا نابخردانه در تفکر یک انسان میتواند سرنوشت وی را به مسیر خوب و یابد تغییر دهد. بگونه نمونه :
مانقش قدرت تمیز و شناسایی راه بهتر و مناسبت های روانی گروه های دهشت افکن را به بررسی می گیریم . قسمی که آگاه ایم ، هستند مردمانی که در روح و روان ایشان این رسالت ننگین آغشته شده که باید با استفاده شرم آور و ناپاکیزه از ایمان و اعتقادات مقدس مردم ، برنامه های مغزشوی میان جوانان را پیش ببرند. از آنجمله طالبان در کُل و شبکه تروریستی حقانی پشتون بگونه ویژه که در روند بیست سال اخیر در جبهات جنگ علیه مردم ملکی و لشکری کشور به انفجار و خودکفانی و آدمکشی سالهاست که مشغول اند .

در اینجا تلاش داریم که انگیزه مادی و معنوی اجرای چنین اعمال زشت و غیر انسانی را بیابیم که چرا ؟ رهبران این گروه های مغزشوی راه نادرست و غیر انسانی را انتخاب کرده اند . آیا احساس انسانی آنها در وجود شان زایل شده و یا مبتلاء به بیماری های روحی و روانی هستند ، یا اینکه این افراد از دید عقلانی

و توان قدرت تمیز مبنی بر انتخاب راه نیک از بد ، خیلی در مراتب پست شعور و آگاهی اجتماعی قرار دارند . و یا با اعتقادات خود ساختی خویش هویت حقیقی انسانی ایشان مسخ شده و در قالب هویت مجازی ، خویشتن را فکر می کنند و مرتکب انجام چنین کردار ناپسند می شوند. و یا چیز های بد دیگر... ؟

سرنوشت دوفرد از دو خاستگاه اجتماعی را مورد بررسی قرار می دهیم . یکی آن بر بنیاد موقعیت خانوادگی اش دانشجوی دینی می شود و دومی دانشجوی علوم مثبتیه .

دانشجوی دینی با عشق و دل بستگی ای که او به مسلک خود دارد پس از اتمام آموزش ، خود را در خدمت خانواده و جامعه قرار نمی دهد ، بلکه زیر شعار جهاد علیه کفار و بمرام شهید راه حق ، جهت رفتن به بهشت فردوس و دستیابی به حوران بهشتی ، در راه جهاد مرتکب جنایت بشری میشود ، مردمان بی گناه را بقتل می رساند ، انتحار و انفجار و دهشت وحشت را افتخار آمیز تکلیف دینی خود می پندارد.

و فرد دومی در دوره دانشجویی ، دانش می آموزد و از علم و معرفت بهره می گیرد . و پس از اتمام دوره دانشجویی گماشته خدمت به خانواده و جامعه خود می گردد .

ناگفته نباید گذاشت که ده ها انگیزه های منفی دیگری هم در جامعه وجود دارد که فرآیند خرد بینی و انتخاب راه درست را در سر نوشت افراد یک جامعه مختل می سازد .

از شرح و آموزش فوق به این نتیجه می رسیم که خردمندی و نقش قدرت تمیز در انتخاب راه درست خیلی برجسته و قابل تأمل است . اما رشته مسائلی دیگر هم در زندگی وجود دارند که در بسا مواقع روند انتخاب قدرت تمیز خردورزی انسان را از هستی و ارزشهای قابل شناخت زندگی متغیر می سازد . بصیر کامجو

خرد گوهر بیست که بوسیله آن میتوان فرصت هارا ساخت . هرکسی منتظر فرصت ها است هنوز حس فرمانبرداری در وجودش زنده است . بصیر کامجو

زمان یک بُعد مادی از رویت وجودی شیء است . و در دایره هستی همه شمول می باشد . پدیده ها در گذرگاه رویارویی جهش و جنبش خودی از مراتب وجود سکون - تا فرخنا شدن جنبنده ، پیوسته خود را در جلوه های مختلف بود متفق به زمانی که جز ذات شیء است به نمایش می گذارد و مدت اتفاق میان دو مسافت را در قید روزگار تبیین می کند و فرآیند ذاتی بودن زمان را در تجلیگاه مادی شیء جنبنده تفسیر می نماید. بصیر کامجو

مکان گوهر مادی ایست که جرم جهان را در دگرگونی بدایت و نهایت عالم کاین متجلی می سازد. مکان ذات هستی است ، مکان ازلی ، ابدی و سرمدی است . مکان بسترگاه جاویدانه متغیر های مادی در فرآیند جدال و آمیزش است. مکان بنیان جرم هر اتفاق زایش و زایل شیء در موازات حرکت و تغییر و تکامل پدیده ها می باشد.

نمونه - اینجا آغاز و انجام یک روند میتواند تفسیر خوبی برای شناسایی زمان و مکان در نمود های زنده باشد. مانند غرس یک درخت تا باروری آن ، و یا تولد یک انسان تا زمان مرگش همه نمود های زنده ای اند که معرف مادی زمان و مکان در چنبره ای متغیرهای مادیست. بصیر کامجو

بخش سوم :

قسمت دوم - زبان فارسی نماد هویت

زبان فارسی ، قلب و چشم و جان و نفس و ذات ماست ؛

زبان فارسی ، هویت فرهنگی و دانش سرای احساس ، ماست؛

زبان فارسی ، عزت و چیستی و کیستی عشق ما و کیش ماست؛

زبان فارسی ، آئین دوران ساز اجداد ماست؛

زبان فارسی ، سربلندی و غرور، سنگپایه ای هستی و تداوم قدرت
و توانمندی فکر ماست ؛

زبان فارسی ، رونمایی اعتبار و رفعت و جلال ، شأن و شکوکت
و دبدبه ماست ؛

زبان فارسی ، هویت فرهنگی و علم و دانش و معرفت ، فکر و احساس و اندیشه و دانش انساندوستی ماست ؛

زبان فارسی مُعرف شرافت و عزت و اعتبار زندگی ماست ؛

زبان فارسی افتخار و آبرو و احترام ، بزرگواری و شرف و حیثیت و ناموس و وقار و سعادت ماست ؛

زبان فارسی جان و گوشت و پوست و استخوان و گوهر وجودی همگرایی زندگی مسالمت آمیز ماست ؛

زبان فارسی ویژگی یکی شدن ، هم‌آیشی و پیوستگی و هبستگی مردم ماست ؛

زبان فارسی امتیاز و برجسته شدن و نماد متمایز جوهر آگاهی ما از دیگران است؛

بخش سوم :

قسمت سوم - در ستایش عقل و فهم

زبان فارسی شناسنامه عقل و فهم و منزلت و شایسته سالاری ما
در پهلوی سایر ملل جهان می باشد. بصیر کامجو

انسان با عقل سلیم اهداف شایسته خود را مسلم می گرداند .
بصیر کامجو

فهم مردم عوام از توانگران و خردمندان خیلی وارونه است ،
آنها از خردمندان روگردان اند اما توانگران راست اکرام می
دارند . بصیر کامجو

سرفرازی و نیرومندی یک ملت وابسته به آن است که خود فرمان
، مستقل و صلح خواه و مولد فرهنگ انسان دوستی و مهرورزی
باشد . بصیر کامجو

کم خواستن ، کم خوردن و بسندگی ، شایسته کسی است که روح ملکوتی انسان مند در وجودش به جولان باشد . بصیرکامجو

جهالت و نادانی بزرگ ترین بلای است که یک جامعه را به بدبختی و سیاه روزی می کشاند . زندگی انسان هنگامی شکوهمند است که روح و روان او در روشنایی دانش برافروخته باشد . بصیر کامجو

زدانش به اندرجهان هیچ نیست تن مرده و جان نادان یکی سست . اسدی

رفاقت به کسی بکن که در اتفاقات و رویدادها استوار و اعتماد بنفس داشته ، در گفتار و کردار قایم به جوهر راستین بوده ، رازدار ، بااراده و متمکن باشد . بصیرکامجو

بادوست چنان رفتار کن که تا درگذشت زمان ، گرمی رفاقت تان ، میزبان پهن کردن سفره هفت سین گردد . بصیرکامجو

خیر هرکس وابسته به نیت پاکیزه او نسبت ب دیگران است ، اگر
خیر دیگران را آرزو برد ، سرانجام اقبال بختش رونما می شود .
بصیرکامجو

عدالت نماد اساسی انسانیت است ، مرگا ! به آن اشرف مخلوقات
که به این نماد انسانیت پشت کرده ، و در رفع لذایز دنیاوی
درگردابه تالاب نفس غوطه ور اند. بصیرکامجو

عشق ناخوشی نیست که بیمار از آن لذت ببرد . عشق دلباختگی،
دل بردگی، دلدادگی و سُهش و شور دنیاوی خلوت وجود آدمی است
، که در دائره تألم پیوسته در گردش و ویراژ است . بصیرکامجو

موسیقی گونه ای از هنر است . که آواز دلنشین شاهنگ سکون را
به دوران می آورد و با نفوذ و رسوخ به دنیاوی نهان وجود ، جسم
و جان انسان را نوازش می دهد. اگر این خرامش میان سکون
و آواز، متوازن به سدا درآید . زیبایی های نامحسوس رویاهای
روان انسان را یکی یکی مشهود می سازد . بصیرکامجو

یگانه گوارایی و خوشی که در زندگی ، پاک و بی ریا است ، تنها از راه دانش و معرفت بدست می آید. بصیرکامجو

زندگی بدون عشق و مهر ورزیدن به انسان و احترام به کرامت وی ، بدتر از زندگی حیوانی است . زیرا مردمانی که فاقد عشق به انسان و انسانیت اند ، هنوز از جمله انسان نماهای وحشی ای اند که چندان تفاوتی سلوکی با زنده جانهای طویله ندارند. بصیرکامجو

ویژگیهای ستوده اخلاقی ، تقوا و برتری ، کمال و مزیت است. این چهار ارزش سلوکی در انسان ارکان قدسی اند که تنها مستلزم بخت و اقبال خداخوانده ها می باشد . بصیرکامجو

مفهوم ایمانداری و انسانیت در این کلام ستوده می شود : پروردگار را پرستش کن ، راستی و درستی را بشناس به مخلوقات خدا آسیب مراسان . بصیرکامجو

انگیزه همه جنگ ها در جهان امروز و فردا زیر نام منافع ملی کشورها درحقیقت حس زیاده خواهی و محقق شدن سیاست مبتنی بر تقویه نفوذ و تجاوز ، برای تملک زمینها و استخراج منابع زیرزمینی و انرژی است. بصیر کامجو

جنگ یک گزینه حیوانی است که تنها مولد قتل و کشتار ، فقر و گرسنگی ، رنج و تألم ، بی خانگی و دربدری ، بی قانونی و بی عدالتی می باشد . اما با تأسف که کشور های پیشرفته زیر نام دفاع :

(از منافع ملی کشور شان و ارزشهای جامعه مدنی) به همه نورم های اخلاقی و انسانی پشت کرده اند و از تداوم گزینه جنگ در کشور های غریب و کم بغل حمایت می کنند. بصیر کامجو

عشق یک جذبه ، سوزش ، گرمایش و سُهش اخلاقی دنیای درون انسان است که به وی انگیزه زیستن را تبیین می کند ، عشق پدیده ای مادی و نیروبخشی می باشد که از ندای قلب و نیاز می آغازد و در هجره ثبت مغز جامی گیرد . در زندگی انواع عشق وجود دارد عشق بخود ، عشق به خانواده و فرزند ، عشق به ایقان و باور ، عشق به شهوت ، عشق به قدرت ، عشق به مادیت و غیره ، اما هیچ عشقی در زندگی قوی تر ماندگارتر و لذت بخش تر و انسانی تر از عشق به مادر و به میهن وجود ندارد.

بصیر کامجو

سکوت ماندن در برابر بی عدالتی ، نشانه موافقت به انجام جنایت است . بصیرکامجو

چون آزادی بزرگترین دارایی زندگی است ، دفاع از آن رسالت همگانی است . بصیرکامجو

کسی که حق انتخاب ندارد آزاد نیست . بصیرکامجو

آموزش به کودکان تنها از راه مهر و محبت کارایی دارد . بصیرکامجو

هر قدر سخن کوتاه باشد ذهن نشین کودکان خوبتر می شود . بصیرکامجو

گفتار و عمل ات را در زندگی با عقل سنجش کن . بصیرکامجو

دهن باز- انسان را سبک و بی وقار می سازد . بصیرکامجو

بزرگ بین نباش زیرا مردم به احمق بودند پی می برند .
بصیرکامجو

بارزشتترین کلمات راستی و مهرورزی است در زندگی به این
دو توجه بکن . بصیرکامجو

در شناخت خود همیشه از عقل کاربگیر و به اندیشه و عقاید دیگران
ایمان نه آور ، ایمان داشتن به هر نگرشی ، در حقیقت نه گفتن
به عقلانیت و ثبوت بیمایگی استعداد تان است . بصیرکامجو

اعتماد بنفس داشته باش ، در غیر آن خادم اراده دیگران خواهی
بود . بصیرکامجو

انسانهای بی اراده عاری از اعتماد بنفس اند . بصیرکامجو

راستگو باش به روشنایی ارج بگذار ، این دزدان اند که دروغ
می گویند و از روشنایی می ترسند . بصیرکامجو

هرقدر دنیای درونت پاکیزه شود ، به همان اندازه مسافه ات به
خوشبختی نزدیک ترمی شود . بصیرکامجو

در کار و عمل همیشه از عدل کار بگیر ، و از پیامد خوب و بدش
هراس نداشته باش . بصیرکامجو

عقب گرا مباش ، آنهاییکه به جلو می نگرند مسیر تکامل رامی
پیمایند . بصیرکامجو

در کار زار سیاست سفته و فرومایه بکسانی گفته می شود که
اشتباهات خود را تکرار می کنند . بصیرکامجو

احترام کردن یک ارزش انسانی و اخلاقی است ، بایست در همه
ای سطوح زندگی چه بادوست و چه با دشمن آنرا یکسان پیش
روگیر . بصیرکامجو

سیاست اضافه خواهی و هژمونی قدرتهای جهان ، سیاره ما را بسوی باتلاق کشانیده است، واژگونی این قدرتها نجات بشریت است . بصیرکامجو

بدترین اندیشه ، دین و آئین آنست که با قتل و کشتار انسان سر و کار دارد . بصیرکامجو

هر عقیده و آئینی که برای محدود سازی حقوق زن خط و نشان می کشد نزد منورین منسوخ است . بصیرکامجو

کوشش کنید که اراده و باور خود را قوی سازید ، قوت اراده بزرگترین سلاحی است که دشمن را از پادرمی آرد . بصیرکامجو

با سختی ها مبارزه کن ، از دشواری راه مهراس ، همت بلند داشته باش ، قبول این سه ارزش پیروزی ات را ضمانت می کند . بصیرکامجو

به همه چیز شک داشته باش ، هیچ چیز در جهان هستی - بیقید
ناب نیست ، با شک کردن راه راست را می یابی . بصیرکامجو

دنباله رو مباش ، گردن فرازی را پیشه کن ، چستی و غرور
و افتخارت در گردن فرازی توست ، در غیر آن همه عمر مزدور
خواهی ماند بصیرکامجو

یقین داشتن بذات حق تنها از راه تهذیب نفس حاصل می شود .
بصیرکامجو

بدبختی یک ملت هنگامی فرامی رسد که ابله هادررأس امور
باشند ، شاغلان شان بیسواد و دانشوران شان بیکار . بصیرکامجو

هر انسان در زندگی آرزویی دارد ، برخی دارایی می خواهد
و برخی افتخار و عده زیبایی و کمال ، اما به اندیشه من انسان بودن
بهترین همه ارزشهاست . بصیرکامجو

خوشبختی انسان در زندگی مستلزم آنست که بجای ایمان داشتن به دینی باید به انسانیت باور مند باشد. بصیرکامجو

انسانیت یعنی حرمت گذاشتن به نجابت و کرامت انسان است . بصیرکامجو

مفهوم زندگی این نیست که دارا باشی ، خانه و جاه و جلال داشته باشی ، بی نیاز از احتیاج باشی ، بلکه اساس زندگی خوشبخت اینست که انسان خوش قلب ، راستکار ، مهربان، و باحساس باشد . بصیرکامجو

انسانیت ارزش ماندگاریست که با هیچ نیروی نمی توان آنرا از میان برداشت . بناً رمز جاویدانگی و ابدی بودن انسانیت در کنه سرمدی آن نهفته است بصیرکامجو

خود ارادیت از یک نگاه انتخاب راه بیرون رفت از گودال درماندگی و فروماندگی است و از سوی دیگر نگرشی از تداخل خرد و اراده می باشد . که انسان بمدد خرد ارزشهای بالنده خوشبختی و مسیر درست زندگی را تمیز می دهد و با پیگیری اراده و عمل آنرا بدست می آورد . بصیرکامجو

زندگی آموزشگاه تجربه و عمل است و تجربه و عمل منبع تولید اندیشه و گذارتفکراز مسیراعتقاد به منزلگه عقلانیت می باشد. بصیرکامجو

رسالت من روشنگری است. هرآنچه عظم به حقانیت آن رای می دهد ، بیانش برای من واجب می گردد. اینکه کسی از بیان این گونه رویکرد های فکری عقل پذیر خوش می شودیاخفه بستگی به داوری خودش دارد . بصیرکامجو

من در زندگی پیوسته به مسایل با نگرش خوش بینانه نگاه داشته ام . اما این شک و تردید است که مارا به درک کنه ذات نزدیک می سازد ، نه خوش بینی وساده انگاری . بصیرکامجو

ما در زندگی همیشه با افراد ساده لوح ، ناآگاه واز خودراضی مواجه هستیم. اگر شانس می داشتیم که این گروه افراد به سخنان دانشورانه وراستین باور می کردند . بدون شک خوشبختی نصیب همه می گردید . بصیرکامجو

هرکس چیز می داند که دیگری آنرا نمی داند ، پس فکر هر انسان نزد خودش خیلی باارزش است . اینجا چه چیزی ارزش است . آن فکر و ذکری که سازگاری با دانش و معرفت روز نداشته و مسیر نهایی اش به باور و ایمان ، اعتقاد و تخیل راه می کشد . بصیرکامجو

راستی جوهر همزیستی و مهربنیاد همبستگی است . بصیرکامجو

وسایل هوشمند و زندگی مملو از تکامل و پیشرفت چیز خیلی نیک است . اما اگر رشد و تکامل زندگی به دور از اخلاق پیش برود ، نجابت و کرامت انسانی دیگر رنگ و بوی نخواهد داشت . بصیرکامجو

این فکر خیلی کودکانه خواهد بود که به اندیشه هایی تأکید بورزیم که 1400 سال پیش در زندگی انسانها اتفاق افتیده و همچو اسطوره سینه بسینه گویا به ما رسیده است . بصیرکامجو



دکتر بصیر کامجو

زادگاه : ولایت پنجشیر

سال تولد : 1961 میلادی

زبان مادری : فارسی

تحصیلات عالی : درسنت پیترسبورگ , پراگ , هامبورگ
وماسکو

درجه علمی : دکتر در رشته علوم سیاسی و فلسفی

آثار چاپی :

- 1 - تاریخ نظریات فلسفی
- 2 - اخلاق تطبیقی بیداری دگر دوستی
- 3 - تجلی احقاق حق در ابراز وجود
- 4 - تغییر نام افغانستان به خراسان مدخلی در راه صلح جاویدان
- 5 - پادشاهان آریایی
- 6 - عظمت فرهنگی خراسان
- 7 - اصول مرامی حزب دموکرات خراسان
- 8 - حاکمیت شوونیزم قبیله افغان مولد جنگ و جنایت
- 9 - حل اساسی مسئله ملی در افغانستان
- 10 - کج بنشین و راستبگو
- 11 - روشنگرایی اندیشه در تعدد انتخاب

12 - هویت واجب تر از اکسیژن

13 - برخی از ارشهای فرهنگ ملی و تاریخی نیاکان ما

14 - عرفان و وحدت وجود

آثار آماده چاپ :

دانش نامه سرزمین آریان ...

نوشته ها و مقالات :

1 - فقدان یگانگی و ازگان میان فارسی گویان

2 - حامد کرزی از قیام برحق مردم مصرپندگیرد

3 - مردمان خراسان باید از حق خود دفاع کنند

4 - درفش و " سرود ملی خراسان "

5 - حاکمیت سیاسی و هویت ملی ، صلح و امنیت درگروه
شؤونیزم قبیله

-
- 6 - جاویدان باد خود فرمانی تاجیکان
 - 7 - برخی از اندیشه های این قلم
 - 8 - با عینک قبیله، به زبان فارسی نگاه کردن گناه ست
 - 9 - فارسی ، زبان تفاهم و همبستگی ملی
 - 10 - بریتانیا برای تولد نوزادانی با سه والد آماده می شود
 - 11 - مشکل از خود بیگانگی
 - 12 - خانواده مجددی
 - 13 - آموزه هایی از تاریخ خود فرمانی ملی شاه حبیب الله کلکانی
 - 14 - حامد کرزی در پی شر میگردد
 - 15- کندز را از اهریمنان آزاد کنید
 - 16 - افشرد ای از درسهای تاریخی قیام ابومسلم خراسانی
 - 17 - نامه به دولت افغانستان و قابل توجه جدی دیوان کیفری بین المللی

-
- 18 - شرح نظام پارلمانی
- 19 - ارزش تاریخی و حدود جغرافیای سیاسی و فرهنگی خراسان
- 20 - جشن نوروز زاینده همبستگی و دوستی
- 21 - می شود یک باراز " عشق " و " گذشت " سخن گفت
- 22 - نفیر خیال
- 23 - رهایی از فروماندگی
- 24 - فرآیند پیدایی جنبش طالبان افغان و تداوم استقرار حاکمیت سیاسی قبیله در چهره اسلام ستمگستر
- 25 - دست درازی کردن حکمتیار به مرز واژگان گوهری زبان فارسی
- 26 - پاسخ به سخنان گند گلبدین حکمتیار
- 27 - قتل عام مردم بدست رژیم غنی - کرزی، به بهانه انتحار و انفجار؟

-
- 28 - درک نادرست از میهن دوستی
- 29 - چراهویت افغانی برای تاجیکان، هزاره ها و ازبیکها قابل قبول نیست
- 30 - قتل عام مردم بوسیله قبایل افغان ، به بهانه نوروز
- 31 - راز پنهانی و رمز پیدایی پروژہ طالبان
- 32 - گذشت جوهر زندگیست
- گزینه خود کفانی
- 34 - رویکرد جدایی دین از سیاست
- 35 - انگیزه تداوم جنگ در افغانستان
- 36 - ادعاء گرفتن استقلال از انگلیسها نادرست و دروغ محض است
- 37 - نقش اراده در مبارزات سیاسی " جنبش رستاخیز تغییر "
- 38 - تسلیم نشوید
- 39 - وجیزه ها در مورد مادر و انسانیت

-
- 40 - ندای وجدان
- 41 - مجسمه آزادی
- 42 - رتبه مارشالی به ارتشبد مرادعلی مراد
- 43 - سماع مولوی یک هویت فرهنگی است
- 44 - زبان فارسی است که ما هستیم
- 45 - اعلامیه تأسیس شورای نخبگان
- 46 - فواید اخلاقی درک و تفکر
- 47 - اسلوب آزاد اندیشی از سنت و مدرنیته
- 48 - معیار های دموکراسی
- 49 - گزاره تحقق امید اجتماعی
- 50 - ساختار نظام قانونی در جمهوری فدرال آلمان در چهار قسمت
- 51 - حق به زن داده نمی شود حق آن شناخته میشود
- 52 - نجابت انسان را گرامی دانست

-
- 53 - خشونت علیه زنان
- 54 - به مید آزادی زن از گرو اندیشه مرد
- 55 - نظریه نسبیت البرت اینشتین
- 56 - پیدایش کیهان شناسی در علم نجوم
- 57 - کشف فرضیه " بوسون هیگز " معروف به " ذره ای خدا "
- 58 - معرفتی از مغز انسان
- 59 - مسوده اصول مرامی حزب دموکرات خراسان
- 60 - اساسنامه حزب دموکرات خراسان
- 61 - طرح مرامنامه و اساسنامه کانون همبستگی اجتماعی و فرهنگی خراسان به کشورهای اروپایی و جهان
- 62 - نقش اراده در مبارزات سیاسی
- 63 - نقش جوانان در جامعه
- 64 - نقش موازین اخلاقی در انسانی سازی جامعه

-
- 65 - حکومت کرزی خطرناکتر از اسلافش
- 66 - کرزی از طرف پارلمان و محکمه عالی کشور مستفعی شناخته شود
- 67 - شناخت جایگاه هویت فرهنگ خودی بدورد با فرهنگ معامله
- 68 - پیشبرد سیاست چند زبانی در افغانستان گونه ای از استقرار حاکمیت شوونیزم قبیله است
- 69 - رفع ابهامات مبنی بر تأکید آریانا و آریایی
- 70 - برخورد عقلانی با سیاست تباراندیشی
- 71 - درباب عفو جنایتکاران جنگی (گلبدین حکمتیار و ملا عمر) از طرف حاکمیت آقای حامد کرزی
- 72 - بیاد استاد فقید اکادمیسین دکتر جاوید
- 73 - نظری به کتاب اخلاق تطبیقی بیداری دگر دوستی
- 74 - معرفی کتاب تاریخ نظریات فلسفی

-
- 75- بیانی از سه طرح سیاسی صلح برای خراسان - افغانستان
- 76 - نگاهی اجمالی به نیت و کارکرد های سیاسی زلمی خلیل
زاد ، حامد کرزی ، علی احمد جلالی
- 77 - صورتی از اجلاس ایند هوفند هالند
- 78 - بازتابی از رویکرد های بینشی رودکی بزرگ
- 79 - ایرادی بر مفردات برنامه انتخاباتی علی احمد جلالی
- 80 - اصول اعتقادی و جهان بینی دینی امام اعظم ابوحنیفه نعمان
- 81 - آموزش و مقام علمی امام بخاری
- 82 - اعلامیه سیاسی کمیته تدارک حزب دموکرات خراسان مبنی
بر رد سیاست (توزیع تذکره با ثبت ملیت افغان) دولت حامد
کرزی
- 83 - تاریخچه پیدایی دولت اسرائیل
- 84 - خزینة آمو دریا
- 85 - درد شناختی در قالب منظوم

86 - واژه آزادی

87 - برخی از آموزه هایی وحدت وجود در عرفان خراسان

88 - جایگاه معرفتی عقل و عشق در تصوف و عرفان خراسان

89 - شباهت های معرفت عرفانی عطارنیشابوری و انصاری

90 - همسنخی اندیشه های عرفانی سنائی غزنوی با انصاری

91 - مناسبت های متفاوت و همگون آموزش "وجود شناسی"

خواجه عبدالله انصاری و مارتین هایدگر

92 - تفاوت برخی دیدگاه های عرفانی، انصاری و مولانای بلخ

93 - رویکرد وحدت وجود در اندیشه سنایی

94 - سلطان عارفین (ادهم بلخی، بسطامی، ابوالخیر)

95 - مکاتب تصوف در عراق و خراسان

96 - فرقه های مکتب خراسان

97 - نگرشی برواژه ذات

-
- 98 - دانشمند و ستاره شناس خواجه نصیرالدین توسی
- 99 - از داستان « نادانی خر » میتوان اندرز آموخت
- 100 - روند خود فرمانی ملی گُردستان بزرگ مبارک باد
- 101 - قتل عام هزاره ها بوسیله امیر عبدالرحمان افغان
- 102 - تاریخ دوباره تکرار می شود ؟ جنایت خاندان آل یحی
الحاق ننگین ایالت پشاور به هند برتانوی (1832 میلادی)
- 103 - خاقانی شروانی " دیوان مداین "
- 104 - تعلیمات دینی فلسفه اسماعیلیه
- 105 - عقاید اخلاقی محمد غزالی
- 106 - اندیشه های متفاوت در باره عرفان و تصوف اسلامی
- 107 - حاکمیت سیاسی پشتونها در پرتگاه نیستی ... و غیره